

A critical research on the innovations and inadequacies of the industrial property protection law approved in 2024 from the point of view of trade secrets.

Mohsen Sadeghi

Associate Professor, Department of Private and Islamic Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran.
Email: sadeghilaw@ut.ac.ir



Abstract

Although the importance of protecting trade secrets among Iranian business persons has a long history, there were no specific coherent regulations for the protection of trade secrets in our legal system before the Industrial Property Protection Law approved in 2024 was. It is considered forward, however, this strength does not make us close our eyes to its shortcomings. In this article, we are trying to answer the question of how far the mentioned law can meet the legal needs of the owners and users of trade secrets. The research method for this article is a qualitative method with library tools, while describing and analyzing the law articles and according to the case of several related opinions.

Journal of Research and
Development in Private Law

Iranian Law and Legal Research
Institute

Vol. 1 | No. 1 | Spring and
Summer 2024
(Original Article)

www.jpl.illrc.ac.ir

DOI:

[10.22034/jpl.2024.718558](https://doi.org/10.22034/jpl.2024.718558)

The hypothesis of the research is that despite the law having significant advantages, the existence of some defects and loopholes may diminish the role of this law in meeting the needs of the beneficiary groups and reducing procedure. The following article is presented in two parts: in the first part, the most important innovations and in the second part, the most important shortcomings of Law 1403 will be mentioned and analyzed. In the end, clear and specific solutions will be proposed to the groups benefiting from the results of this research.

KeyWords: *Trade secrets, industrial property protection law 1403, innovations, inefficiencies.*



جستاری نقادانه در نوآوریها و نارساییهای قانون حمایت از مالکیت صنعتی مصوب ۱۴۰۳ از منظر اسرار تجاری

دانشیار گروه حقوق خصوصی و اسلامی دانشکده
حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
Email: sadeghilaw@ut.ac.ir

محسن صادقی



دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق خصوصی
پژوهشکده حقوق و قانون ایران

دوره ۱ | شماره ۱ | بهار و تابستان ۱۴۰۳
(مقاله پژوهشی)

www.jpl.illrc.ac.ir

DOI:

[10.22034/jpl.2024.718558](https://doi.org/10.22034/jpl.2024.718558)

چکیده

به‌رغم آنکه اهمیت حمایت از اسرار تجاری در میان تجار ایرانی، دارای تاریخچه درازی است، اما در نظام حقوقی ما و تا قبل از قانون حمایت از مالکیت صنعتی مصوب ۱۴۰۳ مقررات منسجم خاصی برای حمایت از اسرار تجاری وضع نشده بود از این حیث قانون مارالذکر گامی رو به جلو محسوب می‌شود با این حال این نقطه قوت باعث نمی‌شود که چشم بر نارسایی‌های آن ببندیم. در این نوشتار با روش کیفی و با ابزار کتابخانه‌ای ضمن توصیف و تحلیل مواد قانون و حسب مورد چند رای مرتبط، سعی در پاسخ به این پرسش داریم که قانون مورد اشاره تا چه حد می‌تواند نیازهای حقوقی صاحبان و بهره‌برداران از اسرار تجاری را مرتفع سازد؟ فرضیه تحقیق نیز آن است که به‌رغم برخورداری قانون از مزایای قابل توجه، اما وجود برخی ایرادات و خلاها ممکن است نقش این قانون را در رفع نیازهای گروه‌های بهره‌بردار و کاهش تشتت آرای قضایی کم‌رنگ سازد.

مقاله پیش‌رو در دو بخش عرضه می‌شود: در بخش نخست، مهمترین نوآوریها و در بخش دوم، مهمترین نارسایی‌های قانون ۱۴۰۳ مورد اشاره و تحلیل قرار خواهد گرفت. در پایان نیز راهکارهای روشن و مشخصی به گروههای بهره‌بردار از نتایج این پژوهش پیشنهاد خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: اسرار تجاری، قانون حمایت از مالکیت صنعتی ۱۴۰۳، نوآوری‌ها، نارسایی‌ها.

مقدمه

سر، در لغت به معنای چیز پوشیده از دیگران و در اصطلاح، امری است که نوعاً داعی بر اخفای آن وجود داشته باشد^۱ و زمانی که این اصطلاح با قید تجاری همراه می‌شود، علاوه بر اینکه گویای آن است که اطلاعات نهان شده باید ارزش اقتصادی داشته باشند، بلکه همراه خود، یک سلسله مسائل حقوقی پیچیده در خصوص نحوه حمایت از صاحب سرتجاری و نحوه ساماندهی رابطه صاحب سر با بهره برداران از آن خواهد داشت.

اگر چه حمایت از اسرار تجاری، ضعیف تر از قالب‌های دیگر حمایت از حقوق مالکیت فکری^۲ است و به همین دلیل، یکی از نویسندگان، از اسرار تجاری به «*داریی‌های ظریف و شکستنی*»^۳ تعبیر کرده است^۴؛ اما این امر باعث کاهش اهمیت قالب اسرار تجاری نشده است زیرا مهمترین دلیل برای این امر، ماهیت و طبیعت اسرار تجاری است؛ به عبارت دیگر، ارزیابی اینکه یک اطلاعات به عنوان سر تجاری محسوب شوند یا خیر و نیز ارزش واقعی یک سر تجاری، تنها زمانی روشن می‌شود که به دست رقیب بیفتد؛ به علاوه، اسرار تجاری بر خلاف قالب‌های دیگر مالکیت فکری نظیر حقوق مالکیت ادبی و هنری و علامت تجاری، زمانی حمایت شده و سودمند هستند که سری مانده و وارد حوزه عموم نشوند (نوری و نخجوانی (۱۳۸۲) ص ۲۱۷)؛ از این رو، قسمت عمده‌ای از حمایت این اسرار، بر عهده خود صاحب اسرار است.

در کنار این دلایل نظری، رواج استفاده از قالب اسرار تجاری میان تجار از گذشته تاکنون، بیانگر آن است که ضعف بالا مانع شیوع این قالب نشده است که یکی از دلایل آن، بی‌نیاز

۱. جعفری لنگرودی ۱۴۰۳، واژه شماره ۲۸۴۱.

2. Intellectual Property Rights (IPRs)

3. Fragile Assets

4. Halligan R. Mark, (2009) *The Protection of Trade Secrets and the Internet*, in: <http://rmarkhalligan.com>;

last visited: ۲۰۲۴/۱۱/۱, p.1

بودن این قالب از حمایت دولتی است یعنی حتی با فرض فقدان دولت یا قانون، باز هم این قالب برخلاف قالبهایی چون اختراع، قابلیت استفاده دارند (خواجه میرزا، ۱۳۸۴، ص ۱۷۶).^۱ بررسی تاریخ حقوق نشان می‌دهد که در برخی حوزه‌های بازرگانی، قالب اسرار تجاری، قدیمی‌ترین قالب حمایتی محسوب می‌شده است. برای نمونه، یکی از داروسازان مشهور قرن سوم هجری در اندلس به نام یونس حرانی، داروی جدیدی ساخته بود که برای تسکین برخی دردها استفاده می‌کرد و هیچ‌گاه نحوه ساخت آن را برای کسی افشا نکرد. این قالب سالهای بعد نیز مورد استفاده تجار قرار گرفت و قانون‌گذار کشورها ناگزیر شدند تا مقررات خاصی برای حمایت از اسرار بنگاهها وضع کنند. البته رویکرد کشورها در نحوه حمایت از اسرار تجاری تفاوتی با یکدیگر داشته است؛ برای مثال، مقنن آمریکا، تحت لوای قانون جاسوسی اقتصادی آمریکا مصوب ۱۹۹۶، قانون‌گذار تایوان تحت عنوان قانون حمایت از تجارت منصفانه مصوب ۱۹۸۶ و قانون‌گذار تایلند با عنوان قانون حمایت از اسرار تجاری مصوب ۲۰۰۲ به حمایت از اسرار مورد بحث پرداخته‌اند. صرف‌نظر از این تفاوت قالبی، وجه اشتراک این قانون‌گذاری‌ها آن است که به‌واسطه نقش و تاثیر غیرقابل کتمان اسرار تجاری در اقتصاد بازار، لزوم حمایت قانونی از اسرار مورد عنایت ویژه قانون‌گذاران ملی بوده است.^۲ در سطح بین‌المللی نیز ماده ۳۹ موافقت‌نامه تریپس تحت عنوان اطلاعات افشا نشده، به لزوم حمایت اعضای این موافقت‌نامه از این اطلاعات اقتصادی تاکید کرده است و در سطح منطقه‌ای نیز دستورالعمل جدید اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۶ کوشیده است تا ضمن تاکید بر لزوم حمایت از اسرار تجاری بنگاههای اقتصادی در سطح

1. R Mark Halligan, Trade secrets v. patents: the new calculus, Journal of Landslide, vol. 2, 2009, p. 10.

2. Douglas C. Lippoldt and Mark F. Schultz, Uncovering Trade Secrets -An Empirical Assessment of Economic Implications of Protection for Undisclosed Data, OECD Trade Policy Papers No. 167, 2014, pp. 20 and seq.

منطقه‌ای، به تحولات نوین این حوزه نیز عنایت داشته باشد (بخت جو و عباس کریمی، ۱۳۹۸، صص ۱۴۱-۱۶۸).

علاوه بر متون قانونی، آرای برخی دادگاههای ملی نیز گویای پذیرش این قالب حمایت از اسرار تجاری و لزوم حمایت از صاحب سر است. برای نمونه شعبه مدنی دادگاه تجدیدنظر انگلستان در پرونده شرکت «لیلی ایکس» علیه «شرکت فایزر»^۱ مقرر داشت که چون جداول و اطلاعات راجع به ساخت محصول موضوع دعوی، توسط شرکت لیلی ایکس، به صورت محرمانه نگه داشته شده، برای عموم قابل دسترس نبوده و اقدامات شرکت خواهان، حاکی از آن است که این اطلاعات در صنعت از حساسیت بالایی برخوردار می‌باشند، لذا این اطلاعات از مصادیق سر تجاری محسوب شده و بدون اجازه صاحب سر نباید افشا می‌شده‌اند.^۲

در حقوق ایران و تا قبل از قانون مالکیت صنعتی ۱۴۰۳ که جایگزین قانون حمایت از اختراعات، طرحهای صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶ شده است، شاهد وضع مقررات یکپارچه در حوزه اسرار تجاری نبودیم و به‌رغم آنکه در قوانین پراکنده، حسب مورد به نام اسرار تجاری یا اصطلاحات نزدیک بدان اشاره شده یا در قالب یکی دو ماده، به تعریف این نهاد یا برخی احکام حقوقی آن پرداخته شده بود اما همچنان در روابط میان صاحبان اسرار و بهره‌برداران یا در روبه قضایی شاهد بروز مسائلی بوده ایم که قوانین قبلی به‌طور کامل قادر به رفع تمامی نیازهای حقوقی نبوده‌اند. بر این اساس، اختصاص چندین ماده اختصاصی به اسرار تجاری با قابلیت اعمال چند ماده مشترک در همه ابعاد مالکیت صنعتی را می‌توان جزو نقاط قوت قانون یاد کرد. با این حال این نقطه قوت، به معنای بی

1. Lileey Icos Ltd v. Pfizer Ltd, [2002] EWCA Civ 2 Case No: A3/2001/0136.

2. Lilly Icos Ltd v Pfizer Ltd, Available at: <https://vlex.co.uk/vid/lilly-icos-ltd-v-792735601>; last visited: 11/3/2024.

ایراد بودن قانون نیست و در موارد عدیده، شاهد ابهام یا ایراد یا خلا هستیم. از آنجا که قانون مزبور به‌تازگی تصویب شده است، طبیعتاً ادبیات حقوقی چندانی در بخش نقد قانون ۱۴۰۳ از منظر اسرار تجاری ایجاد نشده است. البته در همین مدت کوتاه نیز شاهد خلق آثار علمی قابل تقدیری در این حوزه بوده ایم که می‌توان به سخنرانی آقای دکتر باقر انصاری در خصوص «نقد قانون حمایت از مالکیت صنعتی از منظر اسرار تجاری» و نیز کتاب «شرح جامع قانون حمایت از مالکیت صنعتی» تألیف دکتر محمد صادق آزمندیان و دکتر حسین جواهری و دکتر زهره افشار-که در فصل پنجم کتاب، در قالب ۹ صفحه به اسرار تجاری پرداخته است- اشاره کرد؛ باین حال مقاله حاضر نسبت به دو مورد بالا، دارای نوآوری‌های چندی است از جمله اینکه برخی نقطه نظرات این مقاله با مطالب مندرج در دو منبع فوق متفاوت است ضمن اینکه برخی ایرادات وارد بر قانون از منظر رفع چالش‌های رویه قضایی و رفع نیازهای محیط الکترونیک، در این مقاله مورد توجه قرار گرفته است که در دو منبع فوق الاشعار مورد توجه نبوده‌اند.

این نوشتار با روش کیفی و با ابزار کتابخانه‌ای، ضمن توصیف و تحلیل مواد قانون و حسب مورد چند رای مرتبط، سعی در پاسخ به این پرسش داریم که قانون مورد اشاره تا چه اندازه می‌تواند نیازهای حقوقی صاحبان و بهره برداران از اسرار تجاری را مرتفع سازد؟ فرضیه تحقیق نیز آن است که به‌رغم برخورداری قانون از مزایای قابل توجه، اما وجود برخی ایرادات و خلاها ممکن است نقش این قانون را در رفع نیازهای گروه‌های بهره‌بردار و کاهش تشتت آرای قضایی را کم‌رنگ سازد. مقاله پیش رو در دو بخش عرضه می‌شود: در بخش نخست، مهمترین نوآوری‌ها و در بخش دوم، مهمترین نارسایی‌های قانون ۱۴۰۳ مورد اشاره و تحلیل قرار خواهد گرفت. در پایان نیز راهکارهای روشن و مشخصی به گروه‌های بهره‌بردار از نتایج این پژوهش پیشنهاد خواهد شد.

بخش نخست) نوآوریهای قانون حمایت از مالکیت صنعتی از منظر اسرار

تجاری

اهم نوآوریهای قانون حمایت از مالکیت صنعتی مصوب ۱۴۰۳ را می‌توان در موارد زیر مشاهده کرد:

۱. اختصاص مواد خاص به قالب اسرار تجاری:

همان‌گونه که در مقدمه این مقاله بیان شد، تا قبل از سال ۱۴۰۳، قانون‌گذار ما یک مجموعه مواد را به قالب حمایت از اسرار تجاری اختصاص نداده بود. هر چند سابقه حمایت از اموال فکری در حقوق ایران از بسیاری از کشورهای جهان بیشتر بوده و قانون‌علامات صنعتی و تجارتي مصوب ۱۳۰۴، گواه این مدعاست با این حال حوزه اسرار تجاری به‌رغم الحاق ایران به کنوانسیون پاریس در حمایت از مالکیت صنعتی در سال ۱۳۳۷ چندان مورد عنایت قانون‌گذار نبود. در این میان، قانون‌گذار گاه در مقررات پراکنده صراحتاً به عبارت «اسرار تجاری» اشاره کرده و آن را قابل حمایت دانسته است بی آنکه احکام ویژه و نحوه حمایت از آن را بیان کند. برای نمونه، ماده ۶۵ قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲ به تعریف اسرار تجاری در محیط الکترونیک پرداخته و ماده ۷۵ قانون پیش‌گفته برای نقض حقوق صاحب سر تجاری، ضمانت اجرای کیفری در نظر گرفته است. ماده ۱۵ موافقت‌نامه دولت ایران و اتریش در مسائل گمرکی مصوب ۱۳۸۳ نیز اشعار می‌دارد: «در مواردی که اجرای درخواست طرف باعث افشای اسرار صنعتی، تجاری یا حرفه‌ای کشور می‌شود یا مغایر قوانین ملی است، می‌تواند از ارائه کمک خودداری نماید.» همچنین تبصره ۱ ماده ۵ «تصویب‌نامه در خصوص اقدامات ضدقیمت‌شکنی (دامپینگ) به منظور مقابله با اثرات منفی واردات کالاهایی که به کمتر از ارزش عادی آنها قیمت‌گذاری شده‌اند» مصوب ۱۳۹۶ مقرر می‌کند: «اسرار تجاری بنگاه‌ها و اطلاعاتی که توسط آنها با عنوان محرمانه ارایه شده است، بدون اجازه خاص طرفی که آن را ارایه کرده است، قابل افشا نبوده و

دبیرخانه کارگروه کلیه اقدامات لازم را جهت حفظ اسرار تجاری بنگاه‌ها مبذول خواهد نمود.» در لایحه قانون تجارت ۱۴۰۳ - که هنوز به صورت قانون درنیامده است - قانون‌گذار در ماده ۴۸۸، به منظور ثبت رویه قضایی دادگاه‌های تجارت، صحبت از انتشار آرای قطعی به صورت الکترونیک و قابل استفاده برای عموم کرده است مشروط بر اینکه اسرار تجاری طرفین دعوی محرمانه باقی بماند. گاهی نیز مقنن ما، به جای عبارت «اسرار تجاری»، از اصطلاحاتی نظیر «اطلاعات افشا نشده» بهره برده است. برای مثال، بند ۳۲ ماده اول قانون بازار اوراق بهادار مصوب ۱۳۸۴ در تعریف اطلاعات نهانی در بورس، اشعار می‌دارد: «هرگونه اطلاعات افشاء نشده برای عموم که بطور مستقیم و یا غیر مستقیم به اوراق بهادار، معاملات یا ناشر آن مربوط می‌شود و در صورت انتشار بر قیمت و یا تصمیم سرمایه‌گذاران برای معامله اوراق بهادار مربوط تأثیر می‌گذارد».

در رویه قضایی ایران نیز هرچند در برخی آرا، دادگاه صراحتاً عبارت اسرار تجاری را به کار برده، اما برای مستند کردن رای خود، از نهادها یا قوانین مختلف نظیر نهاد مسئولیت مدنی یا قانون تجارت الکترونیکی بهره برده است. برای نمونه، شعبه اول دادگاه عمومی حقوقی شهرستان اقلید استان فارس در دادنامه مورخ ۱۳۸۷/۱/۲۱ و در دعوی میان شرکت سم فروشی ک. خ. د علیه آقای ر. م به خواسته مطالبه خسارات ناشی از نقض اسرار تجاری راجع به فرمول ساخت سموم کشاورزی چنین استدلال کرد: «نظر به اینکه ادله مضبوط در پرونده از جمله نظریه هیئت کارشناسی سه نفره، حاکی از ارزش اقتصادی اسرار متنازع فیه و تعلق آن به خواهان دعوی دارد و خواننده دعوی نیز اقرار به استفاده از اسرار بدون کسب اجازه از خواهان کرده است لذا دادگاه با وارد دانستن دعوی مانحن فیه و مستندا با ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی و قیاس با ماده ۶۴ قانون تجارت الکترونیکی و مطابق نظریه هیئت کارشناسی، خواننده را به پرداخت مبلغ ۳۱۷۵۶۹۵۰۰۰۰ ریال در حق خواهان محکوم می‌کند....»

نبود مقررات خاص حوزه اسرار تجاری و عدم کفایت مقررات پراکنده فوق‌الاشاره باعث بروز مشکلاتی در روابط حقوقی میان صاحبان سر و بهره‌برداران فراهم کرده بود و در برخی مسائل حقوقی شاهد تشنت آرای قضایی نیز بوده ایم. برای نمونه، در خصوص اینکه آیا مهندسی معکوس، جزو استثنائات نقض اسرار تجاری محسوب می‌شود یا خیر، در دعاوی مختلف، شاهد صدور آرای متعارض بوده ایم. در دادنامه مورخ ۱۳۹۰/۳/۷ شعبه سوم دادگاه عمومی حقوقی صفادشت استان تهران راجع به دعوای شرکت خ. ف. خ علیه شرکت پ. ن دادگاه این‌گونه استدلال کرده است: «خواننده دعوی در مقام دفاع در برابر دعوای خواهان دال بر افشای غیرمجاز اسرار تجاری تولید نرم افزارهای رایانه‌ای مورد استعمال در حسابداری آنلاین، مدعی مهندسی معکوس شده است و برای اثبات ادعای خود به گزارش تامین دلیل صادره از شورای حل اختلاف با کد رهگیری ۱۳۹۰۲۲۰۶۵۱۵۴۴۵۲ استناد جسته است. صرف‌نظر از صحت یا سقم نتایج گزارش تامین دلیل و میزان اعتبار آن، از آنجا که با احراز تعلق اسرار تجاری به خواهان و وجود رکن قانونی حمایت از این اسرار در محیط الکترونیک مستندا به ماده ۶۴ قانون تجارت الکترونیکی، اصل بر حمایت از حقوق صاحب سر است مگر اینکه قانون‌گذار، استثنایی را تصریح کرده باشد و در حقوق ایران و قانون فوق‌الذکر، مهندسی معکوس جزو استثنائات ذکر نشده است، لذا دفاع خواننده را غیروارد تشخیص داده و» برعکس، در دادنامه مورخ ۱۳۹۲/۵/۵ اصداری از شعبه سوم دادگاه عمومی حقوقی شهرستان آباءه، دادگاه در دعوای میان خانم ف. ف. ز علیه آقای م. م. با استناد به نظریه کارشناسی مورخ ۱۳۹۲/۳/۲۴ و مستند به مواد ۲۲۰ و ۲۲۵ قانون مدنی، چون مهندسی معکوس را یک اقدام عرفی پذیرفته شده در صنعت نرم افزاری تلقی کرده است، اقدام خواننده را مجاز دانسته و حکم به بی‌حقی خواهان در خصوص نقض حقوق اسرار تجاری صادر کرده است.

در حال حاضر با تصویب قانون حمایت از مالکیت صنعتی ۱۴۰۳، برای نخستین بار در حقوق ایران، شاهد وجود چند ماده اختصاصی در خصوص اسرار تجاری هستیم. در این قانون، هفت ماده به این مقوله تخصیص یافته است: ماده ۱۲۲ به تعریف اسرار تجاری پرداخته است؛ ماده ۱۲۳ مصادیق نقض حقوق اسرار تجاری را برشمرده است؛ ماده ۱۲۴ به استثنائات نقض اسرار تجاری از جمله مهندسی معکوس اشاره دارد؛ ماده ۱۲۵ راجع به مدت حمایت سخن می‌گوید؛ ماده ۱۲۶، در خصوص حقوق انحصاری صاحبان اسرار حکم می‌دهد؛ ماده ۱۲۷ به لزوم غیرعلنی برگزار شدن جلسات محاکم برای جلوگیری از افشای اسرار تجاری می‌پردازد و ماده ۱۲۸، احکام مقرر در مواد ۷۲ (جبران خسارت) و ۷۳ (دستور موقت) را در مورد اسرار تجاری نیز جاری و ساری اعلام می‌کند. همچنین مواد ۱۳۱ و ۱۳۲ این قانون در بحث جرم انگاری نقض حقوق اسرار تجاری و جرم شخص حقوقی، قابل اعمال است. با توجه به اینکه بسیاری از مواد و مباحث مزبور دارای سابقه‌ای در نظام قانون گذاری ایران نبوده‌اند، لذا وضع مواد حاضر جزو نوآوری‌های قانون در بخش حمایت از اسرار تجاری محسوب می‌شود.

صرف نظر از اینکه اختصاص موادی چند به قالب حمایت از اسرار تجاری، خود یک نوآوری کلی منتسب به قانون مورد نقد محسوب می‌شود، اما بررسی جزئی هر کدام از این مواد نیز ما را به برخی نوآوریها رهنمون می‌سازد با این حال چون پرداختن به تمامی این موارد در این مقال نمی‌گنجد لذا در بررسی مواد، به ذکر دو مورد در قالب بندهای ۲ و ۳ ذیل اکتفا می‌کنیم.

۲. برسمیت شناختن حقوق انحصاری برای صاحبان اسرار تجاری:

از آنجا که اسرار تجاری دارای ارزش اقتصادی مستقل و مهمی برای صاحبان آنها به‌ویژه بنگاههای اقتصادی هستند و این موضوع، در اسناد بین‌المللی نظیر بند ۳ ماده ۳۹ موافقت نامه تریپس و قوانین ملی از جمله ماده ۱۲۲ قانون حمایت از مالکیت صنعتی

ایران مورد تصریح قرار گرفته است، لذا لازم است تا قانون گذار برای صاحبان اسرار، حقوق انحصاری در نظر بگیرد؛ امری که در قانون ۱۴۰۳ مطمح نظر قرار گرفته است. اما پیش از ورود جزئی تر به این بحث، مقدمتاً اشاره می شود که صاحبان داراییهای فکری از دو دسته حقوق انحصاری مادی (Economic Rights) و حقوق معنوی (Moral Rights) برخوردارند:

مراد از حقوق معنوی، حقوقی است که مستقیماً قابلیت تقویم به پول را ندارند و ناظر به حقوق انحصاری نظیر حق حرمت یا تمامیت و حق ولایت یا انتساب مال فکری به خالق آن مال و حق استرداد اثر و در نتیجه حق تجویز یا منع غیر از تغییر یا تحریف مال فکری است (Angelo(2011), vol. 84, , pp. 71-118). هر چند غالب ادبیات حقوقی تولید شده در باب حق معنوی، در حوزه مالکیت ادبی و هنری بوده و قانون گذار ملی کشورها نیز غالباً به حق معنوی در حوزه کپی رایت پرداخته اند تا مالکیت صنعتی^۱، اما این رویکرد به معنای بی اهمیت بودن حقوق معنوی در حوزه مالکیت صنعتی نیست همچنان که قانون گذار ما در ماده ۵۴ قانون حمایت از مالکیت صنعتی ۱۴۰۳، تحت عنوان «جنبه های معنوی حقوق ناشی از اختراع»، به این مقوله توجه داشته است.

همچنین منظور از حقوق مادی، حقوقی است که مستقیماً دارای ارزش اقتصادی و قابل تقویم به پول بوده و ناظر به حق انحصاری تجویز یا منع غیر از بهره برداری و استفاده تجاری از مال فکری و یا تولید و تکثیر و توزیع و عرضه عمومی مال فکری در بازار داخلی یا بین المللی است.

هر دو دسته حق مادی و معنوی در خصوص اسرار تجاری، در قانون حمایت از مالکیت صنعتی برای صاحب اسرار شناسایی شده است. هر چند قانون گذار صراحتاً این دو اصطلاح

1. Gautier, (1996), pp. 5 et seq; J.A.L Sterling, *World Copyright Law*, (London: Sweet and Maxwell, 1998), pp. 10 and seq.

تخصصی را به کار نبرده است اما از مفاد مواد ۱۲۳ و ۱۲۶ قانون می‌توان به‌طور ضمنی، به غرض قانون‌گذار پی برد. طبق ماده ۱۲۳: «دستیابی به اسرار تجاری یا افشای آنها، بدون اذن مالک، نقض اسرار تجاری محسوب می‌شود.» و بر اساس ماده ۱۲۶: «حق بهره‌برداری از اسرار تجاری در انحصار صاحب آن اسرار می‌باشد و او یا اشخاص مأذون از طرف او می‌توانند اسرار تجاری را به دیگری منتقل نموده و با منتقل‌الیه، قرارداد التزام به عدم افشای اطلاعات منعقد نمایند.»

یکی از حقوق دانان اعتقاد دارد که طبیعت اسرار تجاری به‌گونه‌ای است که ماهیت اسرار تجاری اقتضا می‌کند که به هیچ حق انحصاری منتهی نمی‌شود و چون اساساً حقوق انحصاری مشابه آنچه در حوزه کپی‌رایت و اختراع و علائم و طرح‌های صنعتی وجود دارد، صدق پیدا نمی‌کند، بنابراین پیش‌بینی حقوق انحصاری مقرر در مواد ۱۲۳ و ۱۲۶ قانون، جزو ایرادات آن محسوب می‌شود. استدلال ایشان آن است که اولاً: فلسفه اعطای حق انحصاری در سایر مصادیق حقوق مالکیت فکری آن است که جامعه در برابر افشای آن مال فکری و خدمتی که به جامعه می‌کند، از آن بهره می‌برد لذا متقابلاً قانون‌گذار به صاحب حق، یک سلسله حقوق انحصاری اعطا می‌نماید اما در اسرار تجاری، جامعه از اسرار تجاری بهره مند نمی‌شود زیرا چیزی افشا نمی‌شود؛ ثانیاً: صاحب اسرار تجاری صرفاً می‌تواند دیگران را از افشای غیرمجاز، تصاحب غیرمجاز و استفاده غیرمجاز منع کند نه بیش از آن؛ ثالثاً: دایره حمایتها در اسرار تجاری بسیار محدودتر از سایر اموال فکری است چرا که برقراری نظام حمایتی اسرار تجاری نیازمند تشریفات نیست و به محض پیدایش اسرار تجاری، حمایت برقرار می‌شود؛ همچنین مدت حمایت نامحدود است؛ به‌علاوه، حمایتها اصولاً جنبه بین‌المللی دارد نه سرزمینی و در تمامی دنیا استانداردهای حمایت از اسرار تجاری نوعاً یکسان است و هزینه‌های حمایت از اسرار تجاری نیز کم است (انصاری ۱۴۰۳). با این حال این استدلال‌ات قابل قبول به نظر نمی‌رسد چرا که:

اولاً: فلسفه اعطای حق انحصاری به صاحب اموال فکری صرفاً به واسطه افشای آن برای جامعه و نوعی اعطای جایزه در عوض خدمت به جامعه نیست بلکه نوعی جایزه انگیزشی برای افراد است تا به نیت تحصیل حقوق انحصاری، به پیدایش اموال فکری مبادرت ورزند (Andersen(2003))^۱؛ همچنان که اگر یک اختراع به‌رغم افشا هیچگاه مورد استفاده عموم قرار نگیرد و عملاً خدمتی به جامعه نرساند، این امر، مانع اعطای حقوق انحصاری به مخترع نمی‌شود؛

ثانیاً: همین که صاحب اسرار تجاری به‌طور انحصاری می‌تواند اجازه دسترسی یا استفاده و بهره‌برداری دیگران را از اسرار بدهد یا دیگران را منع کند و این تجویز و منع، منحصر در اختیار صاحب سر تجاری است، خود به معنای آن است که صاحب اسرار، از حقوق انحصاری برخوردار است همچنان که مشابه همین معنا و اثر را در حوزه‌های دیگر اموال فکری داریم. برای مثال مواد ۳۳ و ۳۵ قانون حمایت از مالکیت صنعتی، حق بهره‌برداری انحصاری از اختراع را به دارنده گواهینامه اختراع می‌دهد و بهره‌برداری غیر را مشروط به موافقت مالک یا نماینده یا قائم مقام وی می‌داند؛ ماده ۳ قانون مولفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ نیز حقوق پدیدآورنده را شامل حق انحصاری نشر و پخش و عرضه و اجرای اثر و حق بهره‌برداری مادی و معنوی از نام و اثر او اعلام می‌کند.

ثالثاً: عدم لزوم تشریفات برای حمایت از اسرار تجاری، دلیل کافی برای عدم اعطای حق انحصاری به صاحب اسرار تجاری محسوب نمی‌شود همچنان که در حوزه مالکیت ادبی و هنری در ایران، یک اثر به محض ایجاد مشمول حمایت انحصاری قرار می‌گیرد و اصل غیرتشریفاتی بودن حمایت از جمله اصول حاکم بر حقوق مالکیت ادبی و هنری محسوب

1 , 'Analysts Focus On?', *CONFERÊNCIA INTERNACIONAL SOBRE SISTEMAS DE INOVAÇÃO E ESTRATÉGIAS DE DESENVOLVIMENTO PARA O TERCEIRO MILÊNIO* • NOV., pp. 2-33.

می‌شود (شیخی ۱۳۹۴) و این امر مانع اعطای حق انحصاری به پدیدآورنده اثر ادبی و هنری نمی‌شود.

رابعاً؛ نامحدود بودن مدت حمایت نیز به معنای عدم تعلق حقوق انحصاری به صاحب مال فکری نخواهد بود همچنان که طبق مدت ماده ۴ قانون مولفان و مصنفان و هنرمندان، حمایت از حقوق معنوی صاحب اثر، محدود به زمان و مکان نیست در عین حال، همین قانون برای پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری، قائل به حقوق انحصاری شده است. حتی در برخی فروع، مدت حمایت از اثر ادبی و هنری، بیشتر از اسرار تجاری است چرا که حقوق معنوی پدیدآورنده اثر ادبی و هنری همیشگی است اما مدت حمایت از اسرار تجاری طبق ماده ۱۲۵ قانون حمایت از مالکیت صنعتی تنها تا زمانی است که اطلاعات مزبور افشا نشده باشد. بنابراین با فرض افشای سر تجاری، مدت حمایت خاتمه می‌یابد در حالی که حمایت از اثر ادبی و هنری همچنان ادامه می‌یابد.

خامساً؛ کم هزینه بودن حمایت از اسرار تجاری، این مجوز را به ما نمی‌دهد که برای صاحب سر، هیچ حق انحصاری قائل نشویم همچنان که در هیچیک از اسناد بین‌المللی و قوانین و مقررات ملی از جمله قوانین ایران، کم یا زیاد بودن میزان هزینه حمایت، تاثیری در خصوص قلمرو حمایت یا اعطا یا عدم اعطای حق انحصاری به مالک مال فکری ندارد.

سادساً؛ اعتقاد حقوق دان مورد اشاره به اینکه رژیم حمایت از اسرار تجاری، منتهی به هیچ حق انحصاری نمی‌شود، اعتقادی اجماعی محسوب نمی‌شود همچنان که در نوشته‌های دیگر، دیدگاه مخالف دیده می‌شود. حتی برخی نویسندگان، تعلق حقوق انحصاری معنوی به قالب اسرار تجاری را نقطه تمایز این قالب از سایر قالبهای مالکیت فکری دانسته‌اند (محسن اسماعیلی و دیگران ۱۳۹۹)

۳. پیش‌بینی استثنائات وارد بر حقوق انحصاری صاحب حق:

ماده ۱۲۴ قانون حمایت از مالکیت صنعتی، تحصیل اسرار تجاری صاحب سر را بنحو مستقل و در نتیجه فعالیت خود و نیز مهندسی معکوس^۱ را به عنوان مواردی ذکر کرده که از شمول نقض حقوق اسرار تجاری مستثنی شده‌اند. همچنین تبصره ماده ۱۲۶ همین قانون اشعار می‌دارد که اگر صاحب سر، آن را به دیگری انتقال داده و نگوید که این اطلاعات، جزو اسرار تجاری محسوب می‌شوند، اقدام ثالث، نقض اسرار تجاری محسوب نمی‌شود. پیش‌بینی این استثنائات موید وجود حقوق انحصاری برای صاحب اسرار تجاری است. از این رو قانون‌گذار ابتدا در قالب ماده ۱۲۳ قانون پیش‌گفته، به بیان قاعده کلی ولی وجود حقوق انحصاری صاحب اسرار مبنی بر تجویز و منع دستیابی و افشای اسرار تجاری توسط دیگران پرداخته و سپس ماده ۱۲۴ و تبصره ماده ۱۲۶ را به بیان استثنائات وارد بر قاعده مزبور تخصیص داده است. هرچند قانون‌گذار به بیان همه استثنائات مجاز نپرداخته و از این حیث قابل نقد است و در بخش دوم مقاله بیشتر بدان می‌پردازیم، اما نباید از نوآوری مقنن در وضع این دو استثنا گذشت چرا که:

اولاً: طبیعت اموال فکری به‌طور عام و اسرار تجاری به‌طور خاص این‌گونه است که برخلاف اموال فیزیکی تکثیرپذیر بوده و هم‌زمان امکان تصرف و بهره برداری توسط چند شخص مختلف از مال فکری وجود دارد (اصغر، محمودی: ۱۳۹۱ صص ۹۴-۱۰۷) و چون برخی اقسام دستیابی یا استفاده از مال فکری، به‌نحو متعارف و برخی به‌نحو متقلبانه است لذا قانون‌گذار، به‌طور ضمنی میان این دو دسته دستیابی به اسرار تجاری قائل به تفکیک شده و در ابتداء هرگونه دستیابی و افشای اسرار توسط دیگران را منوط به اجازه صاحب اسرار دانسته و در صورت عدم اجازه، آن را غیرمجاز اعلام کرده و سپس به این قاعده کلی استثنا زده و دستیابی متعارف و مبتنی بر فعالیت غیر را جز مصادیق مجاز شمرده است. بر این

1 -Reverse Engineering.

اساس و با عنایت به مواد ۱۲۳ و ۱۲۴ قانون ۱۴۰۳، در دعوای میان صاحب اسرار با خواننده دعوی، اصل بر غیرمجاز بودن افشا و دستیابی به اسرار است مگر اینکه خواننده دعوی، مجاز بودن شیوه دستیابی از جمله استثنائات مندرج در ماده ۱۲۴ قانون را اثبات کند. ثانیاً: دلیل دیگری که اقدام مقنن در وضع ماده ۱۲۴ را جزو نوآوریهای قانون ۱۴۰۳ دانسته ایم، پیش‌بینی مهندسی معکوس به عنوان استثنای حقوق انحصاری صاحب اسرار تجاری است. به‌رغم انطباق این استثنا با سیاستهای توسعه‌ای کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، اما تا قبل از تصویب این قانون، وضعیت حقوقی مهندسی معکوس در حقوق ما مشخص نبود و به‌رغم رواج مهندسی معکوس در حوزه اختراعات، اما قانون باسابقه‌ای چون قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶ نیز به این استثنا نپرداخته بود. همین سکوت قانونی باعث تشتت در آرای قضایی ایران شده است که در صفحات قبلی به دو نمونه رای اشاره شد.

اما شناسایی این استثنا در حوزه اسرار تجاری، نه تنها از حیث رفع خلا قانونی بلکه از حیث اقتصادی نیز بسیار مهم است. (LaRoque, (V01.66, 2017, pp. 427-457) چرا که کشورهای در حال توسعه که واردکنندگان عمده محصولات و فناوری کشورهای توسعه یافته هستند، باید علی‌رغم مخالفتها و دید نه چندان مثبت کشورهای توسعه یافته، از این استثنا به عنوان یکی از نقاط انعطاف پذیر موافقت نامه تریپس بهره برده و از تعهدات بین‌المللی خود بکاهند و دسترسی بیشتر و بهتر جامعه را به اطلاعات و فناوری جدید تسهیل نمایند. در این میان، قانون‌گذار مکلف است با رویکرد توسعه‌ای و با بهره‌گیری از ظرفیتهای انعطاف پذیری تریپس، تا حد امکان استثنائاتی را که قانون ما نسبت به آنها ساکت است، در قانون درج کند زیرا صرف استثنا شدن امری در موافقت نامه تریپس به منزله اعمال خودبخود آن در قوانین داخلی اعضا نیست و قانون‌گذاران ملی باید آن را در قوانین داخلی خود درج کنند؛ قانون‌گذار ایرانی نیز باید همین سیاست را در پیش بگیرد

که این سیاست با پیش‌بینی استثنای مهندسی معکوس، به‌طور نسبی محقق شده است به‌ویژه اینکه عدم درج این استثنا در قانون، به منزله از دست رفتن فرصت برای استفاده از نقاط انعطافی تریپس می‌باشد. بنابراین اقدام قانون حمایت از مالکیت صنعتی مصوب ۱۴۰۳ مبنی بر استثنا کردن دستیابی به اطلاعات محرمانه از طریق مهندسی معکوس از شمول اعمال ناقض حقوق صاحب سر تجاری، نوآوری قابل تحسین به شمار می‌آید به‌ویژه اینکه استثنای مهندسی معکوس در حوزه اسرار تجاری، در حقوق برخی کشورها دارای سابقه طولانی است و آرای متعددی نیز در این خصوص صادر شده است. برای مثال، دیوان عالی کشور آمریکا در پرونده شرکت نفتی کوانی علیه شرکت بیکرون چنین استدلال کرد که رژیم حمایتی اسرار تجاری، در فرضی که دستیابی به اطلاعات محرمانه، با روش متعارف و با ابزاری شرافتمندانه به نام مهندسی معکوس صورت گرفته و منتهی به توسعه و تولید شده است، جاری نمی‌شود^۱.

۴. قابل مطالبه دانستن منافع ممکن الحصول:

بعد از تصویب تبصره ۲ ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹^۲ و متعاقباً تبصره ۲ ماده ۱۴ قانون دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲^۳ در جمع میان احکام این دو مقررہ گفته شده است که خسارات عدم النفع قابل مطالبه نیست مگر اینکه منفعت ممکن الحصول ناشی از جرم بوده و بدان صدق اتلاف کند (خداده و الهیان ۱۳۹۶ صص ۱-۹).

به‌عبارت دیگر قانون آیین دادرسی کیفری هرچند گام مهمی در رفع نارسایی ناشی از

1. Kewanee Oil Co. v. Bicron Corp. 416 U.S. 470 (1974), Available at:

<https://supreme.justia.com/cases/federal/us/416/470/> last visited: 14/11/2024.

۲. تبصره ۲ ماده ۵۱۵: «خسارت ناشی از عدم النفع قابل مطالبه نیست و خسارت تاخیر تادیه در موارد قانونی قابل مطالبه می‌باشد.»

۳. تبصره ۲ ماده ۱۴: «منافع ممکن الحصول تنها به مواردی اختصاص دارد که صدق اتلاف نماید. همچنین مقررات مرتبط به منافع ممکن الحصول و نیز پرداخت خسارت معنوی شامل جرائم موجب تعزیرات منصوص شرعی و دیه نمی‌شود.»

اطلاق تبصره ۲ ماده ۵۱۵۱ قانون آیین دادرسی مدنی برداشته بود اما همچنان این نقد را به خود می‌دید که قابلیت مطالبه منافع ممکن الحصول را محدود به فرضی می‌داند که ناشی از یک رفتار مجرمانه بوده و صدق اتلاف کند. در نتیجه اگر منافع ممکن الحصول در نتیجه تسبیب از بین رفته باشد یا ناشی از رفتار غیرمجرمانه باشد، قابلیت مطالبه ندارد و جای این سوال جدی را باقی می‌گذارد که اگر نفس منافع ممکن الحصول قابلیت مطالبه شرعی و قانونی دارد، چرا باید ناشی از یک رفتار مجرمانه باشد که بتوان آن را از دادگاه خواست؟

قانون حمایت از مالکیت صنعتی، گام دیگری در راه رفع این معضل برداشته و در ماده ۷۲، امکان مطالبه منافع ممکن الحصول ناشی از نقض حق اختراع را بدان صدق اتلاف کند، میسر دانسته است و ماده ۱۲۸ قانون، حکم ماده ۷۲ را در حوزه اسرار تجاری نیز مجری دانسته است. اطلاق حکم مقرر در ماده ۷۲ و ۱۲۸ نیز به گونه‌ای است که هر نوع منافع ممکن الحصول که صدق اتلاف می‌کند را قابل مطالبه می‌داند اعم از اینکه ناشی از رفتار مجرمانه باشد یا خیر. ممکن است این برداشت از ماده ۷۲ و ماده ۱۲۸ قانون با این ایراد روبرو شود که قانون حمایت از مالکیت صنعتی، گام مهمی نسبت به قانون آیین دادرسی کیفری برداشته است زیرا قانون حمایت از مالکیت صنعتی، منافع ممکن الحصول را در فرض نقض حقوق اسرار تجاری قابل مطالبه اعلام کرده و نقض اسرار تجاری هم طبق تبصره ۳ ماده ۱۳۱ قانون حمایت از مالکیت صنعتی، دارای وصف مجرمانه دانسته شده است یعنی باز هم شاهد قابلیت مطالبه منافع ممکن الحصول تنها ناشی از رفتار مجرمانه هستیم. در پاسخ به این ایراد باید گفت که مواد ۷۲ و ۱۲۸ قانون حمایت از مالکیت صنعتی، شرط قابلیت مطالبه منافع ممکن الحصول را وقوع نقض حقوق دانسته و نقض حقوق اسرار تجاری ممکن است وصف مجرمانه داشته باشد یا خیر بدین نحو که اگر نقض حقوق ناشی از سوءنیت و عالما عامدا باشد جرم است اما اگر بدون سوءنیت بوده و باعث

خسارت به صاحب اسرار تجاری شود در هر حال نقض حق رخ داده و باید خسارات زیان‌دیده جبران شود بی‌آنکه آن فعل، وصف مجرمانه و قابلیت تعقیب کیفری را داشته باشد. گام اصلاحی قانون مالکیت صنعتی در رفع نارسایی قانون آیین دادرسی مدنی و کیفری در خصوص موضوع مانحن فیه، هرچند قابل تقدیر اما ناقص است زیرا در قانون مزبور، همچنان شرط «صدق اتلاف»، برای قابلیت مطالبه منافع ممکن الحصول دیده می‌شود و مفهوم مخالف این ماده آن است که اگر شخصی به‌طور غیرمستقیم و با تسبیب، سبب از بین رفتن منافع ممکن الحصول صاحب اسرار تجاری شود، این منافع از شخص مسبب قابل مطالبه نیست زیرا در حقوق ما میان اتلاف و تسبیب تفاوت وجود دارد (بابایی ۱۳۹۵، صص ۸۳-۱۰۸). بناء علی‌هذا در کنار اقدام اصلاحی مقنن، جای نقد باقی است که اگر فلسفه ماده ۱۲۸ قانون، حمایت از صاحب اسرار تجاری در برابر رفتار زیانبار دیگری است و ارکان مسئولیت مدنی یعنی فعل زیانبار و ضرر وارده و رابطه سببیت محقق شده است و قاعده لاضرر و اصل حقوقی جبران کامل خسارت، اقتضا دارد که تمامی خسارات وارده به صاحب اسرار جبران شود اعم از اینکه رفتار زیانبار صدق اتلاف کند یا تسبیب، چرا قانون‌گذار، شرط صدق اتلاف را مجدداً در حوزه اسرار تجاری تکرار کرده است؟ حتی اگر وجود این قید و محدودیت، در قوانین کیفری و بنا به اصول و سیاستهای خاص حاکم بر حقوق جزا نظیر اصل تفسیر مضیق و تفسیر به نفع متهم تا حدودی قابل توجیه باشد، اما وقتی قانون‌گذار در مواد ۷۲ و ۱۲۸ قانون حمایت از مالکیت صنعتی، درصدد تبیین حکم حقوقی جبران خسارت است نه حکم کیفری، تبعیت از سیاست تضيیقي، موجه به‌نظر نمی‌رسد.

نکته پایانی این بخش آنکه قانون‌گذار برای اینکه اقدام اصلاحی خود را بهتر به‌منصه اجرا بگذارد مناسب بود که مواد ۷۲ و ۱۲۸ قانون را با صراحت بیشتری بیان می‌کرد یعنی این قید در متن ماده ذکر می‌شد که قابلیت مطالبه منافع ممکن الحصول ناشی از نقض حقوق

اسرار تجاری هم ناظر به فرضی است که نقض حقوق دارای وصف مجرمانه باشد و هم فرض نقض غیرمجرمانه. این دغدغه از آن رو بیان شد که ممکن است در عمل و در زمان طرح دعاوی به استناد ماده ۱۲۸، برخی قضاات محترم حکم ماده ۱۲۸ قانون حمایت از مالکیت صنعتی را در چارچوب تبصره ۲ ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری تفسیر کرده و آن را محدود به نقضی بدانند که عنوان مجرمانه بر آن بار می‌شود.

بخش دوم) نارسایی‌های قانون حمایت از مالکیت صنعتی از منظر اسرار

تجاری

قانون حمایت از مالکیت صنعتی مصوب ۱۴۰۳، در کنار نوآوریهای فوق، دارای چند نارسایی است که امید می‌رود در اصلاحات قانونی مرتفع شوند. بخشی از این نارسایی‌ها به‌واسطه ایرادات مواد وضع شده موجود در بخش اسرار جاری است و بخش دیگر نارسایی‌ها، ناشی از سکوت قانون‌گذار نسبت به برخی ابعاد مهم حقوق اسرار تجاری است. در زیر کوشیده ایم که به اهم این دو دسته نارسایی بپردازیم:

۱. درج مقررات حمایت از اسرار تجاری تحت لوای قانون حمایت از مالکیت صنعتی

یکی از ایرادات وارد بر قانون ۱۴۰۳، قرار دادن مواد حمایت از اسرار تجاری تحت لوای قانون حمایت از مالکیت صنعتی است در حالی که مصادیق اسرار تجاری می‌تواند به حوزه‌های دیگری مثل حقوق مالکیت ادبی و هنری مرتبط باشد. برای مثال، وقتی شخصی یک نرم افزار مرتبط با حوزه ادبی و هنری خلق می‌کند اما قبل از ثبت یا عرضه آن به بازار، آن را به صورت یک سر تجاری محفوظ نگه می‌دارد، ما با یک سر تجاری حوزه مالکیت ادبی و هنری روبرو هستیم نه یک مالکیت صنعتی. نکته جالب اینکه قانون‌گذار در ماده ۱۲۲ قانون و در بیان مصادیق اسرار تجاری، صراحتاً به نرم افزارها اشاره کرده است. همچنین وقتی شخصی یک ایده دارد که مطابق قواعد مالکیت صنعتی قابل حمایت نیست ولی می‌توان آن را به صورت یک سر تجاری نگاه داشت و حمایت کرد، چرا

باید سر تجاری را زیر مجموعه مالکیت صنعتی دانست؟ البته پذیرفتنی است که غالب مصادیق اسرار تجاری مانند اختراعات و طرحهای صنعتی ثبت نشده، جزو مصادیق اموال صنعتی هستند اما این امر باعث نمی‌شود تا اسرار تجاری را زیرمجموعه مالکیت صنعتی بدانیم. بنابراین بهتر بود که قانون‌گذار در قالب قانون مستقل، به بیان احکام اسرار تجاری می‌پرداخت چون این قالب، هم مصادیق مرتبط با مالکیت صنعتی را دربر می‌گیرد و هم حقوق مالکیت ادبی و هنری. برای همین است که در برزیل، قانون‌گذار در قانون مالکیت صنعتی مصوب ۱۹۹۶ اصلاحی سال ۲۰۲۱، به اسرار تجاری نمی‌پردازد یا در آمریکا قانون‌گذار، مقررات حوزه اسرار تجاری را در قالب قوانین خاص نظیر قانون جاسوسی اقتصادی مصوب ۱۹۹۶ بیان می‌دارد.

برخی نویسندگان، ضمن انتقاد از قرار گرفتن اسرار تجاری تحت لوای قانون حمایت از مالکیت صنعتی، علت نقد خود را این بیان کرده‌اند که حمایتها در مالکیت صنعتی مانند اختراعات و طرحهای صنعتی منوط به ثبت است در حالیکه اسرار تجاری نیازمند ثبت برای حمایت نیستند زیرا ثبت، اطلاعات را از محرمانگی خارج می‌کند (آزمندیان و دیگران، ۱۴۰۳، ص ۲۳۳). باین حال دلیل ذکر شده بریا نقد، وارد به نظر نمی‌رسد زیرا قرار گرفتن یک مال جزو مصادیق اموال صنعتی، به واسطه لزوم یا عدم لزوم ثبت آن نیست بلکه به واسطه ماهیت و متعلق حق مالکیت است بدین نحو که اگر مالی در رشته‌ای از صنعت به معنای عام نظیر صنایع، کشاورزی، خدمات و ماهیگیری، قابل ساخت یا استفاده باشد، جزو اموال صنعتی قرار می‌گردد چه برای حمایت از آن، ثبت الزامی باشد یا اختیاری؛ همچنان که نام تجاری جزو مصادیق اموال صنعتی محسوب می‌شود زیرا طبق بند ۴ ماده

1. Law No. 9.279 of May 14, 1996 (Law on Industrial Property, as amended up to Law No. 14.200 of September 2, 2021), Brazil, Available at : <https://www.wipo.int/wipolex/en/legislation/details/21166>

2. Economic Espionage Act OF 1996, Available at :

<https://www.congress.gov/104/plaws/publ294/PLAW-104publ294.pdf>

۹۵ قانون حمایت از مالکیت صنعتی، معرف و مشخص کننده شخص حقیقی یا حقوقی عرضه کننده کالا یا خدمت است در عین حال، ماده ۱۱۷ تصریح می کند که نام تجاری حتی بدون ثبت، مشمول حمایت‌های این قانون می باشد.

۲. قرار دادن داده‌های آزمایشی در زمره اسرار تجاری:

داده‌های آزمایشی، داده‌هایی است که در اثر آزمایش تحت شرایط خاص ایجاد می شود و مطابق بند ۳ ماده ۳۹ موافقت نامه تریپس، در خصوص داده‌های آزمایشی محصولات دارویی و کشاورزی تابع نظام ویژه حمایتی است. رژیم حمایت از این داده‌ها متناسب با درجه توسعه یافتگی کشورها متفاوت است بدین ترتیب که کشورهای توسعه یافته، تمایل به افزایش دایره حمایت و کشورهای در حال توسعه، مایل به حداقل حمایت از این داده‌ها هستند (انصاری و زند، ۱۳۹۵، صص ۱۰۹-۱۳۱).

با عنایت به شاخص فوق باید گفت: ایران به عنوان کشوری در حال توسعه و واردکننده محصولات دارویی و کشاورزی بهتر است از ظرفیت موافقت نامه تریپس بهره برده و رژیم حمایتی خاصی را از داده‌های آزمایشی محصولات فوق مقرر کند تا اینکه آنها را تحت رژیم اسرار تجاری مورد حمایت قرار دهد چرا که اولاً: از منظر ابداع کنندگان محصولات دارویی و کشاورزی، این قالب برای اشخاصی خوب است که خود بتوانند محصولات دارویی یا کشاورزی خود را به مرحله تولید برسانند در حالیکه اکثریت قریب به اتفاق آنها برای تجاری سازی دارو نیازمند کمک‌های دولتی یا خصوصی هستند و همین نیاز به تدریج زمینه دسترسی افراد را به سر و افشای آن فراهم می سازد؛ بنابراین نیاز اقتصادی ابداع کنندگان خصوصاً در اقتصاد امروز باعث شده است تا قالب اسرار تجاری در جهان اقتصادی کنونی که تجاری سازی ابداعات و به‌ویژه ابداعات دارویی اهمیت فراوانی یافته است، چندان کاربردی نداشته باشد. ثانیاً: رواج قالب اسرار تجاری برای حمایت از داده‌های آزمایشی محصولات دارویی و کشاورزی، بر روند ابداع محصولات جدید اثر منفی گذارده و تعداد آنها

را کاهش می‌دهد زیرا بسیاری از ابداعات جدید بر اساس تکمیل محصولات ثبت شده موجود است که این امر در نتیجه افشای اطلاعات ساخت و ترکیبات محصولات ثبت شده و یا ورود آن به حوزه عمومی حاصل شده و به ارتقای دانش ساخت محصولات جدید کمک کرده است؛ ثالثاً: انتخاب قالب اسرار تجاری برای حمایت از داده‌های آزمایشی محصولات دارویی و کشاورزی، می‌تواند آثار اقتصادی نامطلوبی برای ایران به عنوان یک کشور در حال توسعه به همراه داشته باشد زیرا برای کشور ما که واردکننده داروها و محصولات کشاورزی جدید بوده و موارد تولید داخلی عمدتاً ناظر به محصولات ژنریک است، قالب اسرار تجاری مانعی جدی برای انتقال فناوری تولید به ایران باشد و صاحب سر برای جلوگیری از لو رفتن فرمول ابداع محصول، طبیعتاً از انتقال فناوری ساخت خودداری می‌کند خصوصاً اینکه حمایت از سر تجاری محدود به مدت زمانی خاص نیست؛ همچنین عدم افشای داده‌های آزمایشی در طولانی مدت، منجر به کاهش میزان تولید، صادرات و درآمد شرکتها، کاهش دسترسی بیماران یا کشاورزان به محصولات دارویی و کشاورزی، بیکاری کارگران شرکتها و مانند آن خواهد شد. ضمن آنکه سر ماندن داده آزمایشی و جلوگیری از افشای آن، می‌تواند مانعی برای حضور شرکتهای رقیب در بازار شود و قدرت صاحب سر را برای انحصاری کردن تولید محصول و در نتیجه، تعیین قیمت به‌نحو قابل توجهی افزایش دهد.

به‌رغم وجود این تبعات منفی، قانون حمایت از مالکیت صنعتی ضمن اینکه قالب خاصی برای حمایت از داده‌های آزمایشی پیش‌بینی نکرده است، در ماده ۱۲۲ با ذکر عباراتی چون «اطلاعاتی از قبیل...اطلاعات تجاری...و هر نوع اطلاعات دیگر با داشتن شرایط مذکور / داشتن ارزش اقتصادی مستقل یا ارزش رقابتی-عموماً ناشناخته بودن- اتخاذ تدابیر متعارف برای حفظ محرمانگی آنها توسط دارنده»، داده‌های آزمایشی را تحت لوای

اسرار تجاری مشمول حمایت قرار داده است که این رویکرد، متناسب با درجه توسعه یافتگی ایران نیست.

۳. عدم توجه به اقتضانات محیط مجازی در خصوص اسرار تجاری الکترونیک و مشخص نبودن نسبت این قانون با قانون تجارت الکترونیکی:

امروزه فعالیتهای تجاری از طریق محیط الکترونیک نظیر فروش محصولات و خدمات آنلاین، تراکنش‌های مالی از طریق اینترنت، تجارت الکترونیک بین کشوری و دیگر فعالیت‌های مرتبط با تجارت الکترونیک، سهمی ۲۵ درصدی از تجارت جهانی را داراست و شیوع کرونا در سالهای اخیر بر اهمیت استفاده از تجارت الکترونیک توسط بنگاههای اقتصادی افزود. پیش‌بینی می‌شود که تا پایان سال ۲۰۲۴، حجم فروش تجارت الکترونیکی جهانی به بیش از ۷ تریلیون دلار برسد، که گویای رشد چشمگیر این صنعت به دلیل گسترش استفاده از اینترنت در سطح جهانی، افزایش تبلیغات آنلاین و نوآوری‌های فناورانه در زمینه تجارت الکترونیک است (عشقی ۱۴۰۳). در ایران نیز شاهد افزایش استقبال مشتریان و بنگاهها از محیط الکترونیک در انجام معاملات و تراکنشها بوده ایم به‌گونه‌ای که طبق گزارش سالانه قائم مقام وزیر صنعت، معدن و تجارت (صمت) در سال ۱۴۰۲، ارزش معاملات این حوزه با رشد ۷۴ درصدی نسبت به سال ۱۴۰۱، به رقم ۳۱۸۸ هزار میلیارد تومان رسیده است و مرکز توسعه تجارت الکترونیکی پیش‌بینی می‌کند که ارزش این معاملات در پایان سال ۱۴۰۳ به ۶ هزار میلیارد تومان برسد^۱.

از جمله دلایل مهم استقبال بنگاهها و مشتریان از تجارت الکترونیک را می‌توان افزایش سرعت، کاهش هزینه، حذف یا کاهش هزینه رفت و آمد، کاهش خطرات مفقودی و تلف شدن اسناد کاغذی معاملات، امکان استفاده از خدمات در تمامی اوقات شبانه روز و حتی

۱. گزارش سالانه تجارت الکترونیکی ایران، مندرج در سایت: <https://www.zoomit.ir/tech-iran/422371>

ecommerce-annual-report-1402/، تاریخ آخرین مراجعه به سایت: ۱۵/۱۱/۲۰۲۴ (۱۴۰۳/۸/۲۵)

در ایام تعطیل و ... است. با این حال تجارت الکترونیک در کنار مزایای قابل توجه، چالش‌های حقوقی غیرقابل انکاری را نیز با خود به همراه آورده است. برای نمونه، تسهیل موارد افشا و دسترسی غیرمجاز به اسرار تجاری بنگاهها، دشوارتر شدن تشخیص ناقض حق، افزایش پیچیدگیهای تعیین قانون حاکم و دادگاه صالح در دعاوی تجاری محیط الکترونیک - به عنوان یک محیط بدون مرز جغرافیایی - تنها بخشی از این معضلات حقوقی است (صادقی، ۱۳۸۹ صص ۴۷-۷۳). انتظار طبیعی بنگاهها و مشتریان آن است که قانون‌گذار در کنار تشویق استفاده از تجارت الکترونیک، تدابیر حقوقی پیشینی و پسینی لازم را برای حمایت از اسرار تجاری تجار در محیط الکترونیک اتخاذ کند؛ در غیر این صورت فقدان یا نارسایی قوانین حوزه تجارت الکترونیک علاوه بر افزایش موارد نقض حق و کلاهبرداریها، خود از موانع گسترش تجارت الکترونیک خواهد بود؛ همچنان که بر اساس بررسیهای صورت گرفته در چند کشور، سهم نارساییهای قوانین حوزه تجارت الکترونیک در عدم گسترش این نوع تجارت، ۱۳ درصد اعلام شد^۱.

بررسی قانون حمایت از مالکیت صنعتی مصوب ۱۴۰۳ نشان می‌دهد که قانون‌گذار، به اقتضانات خاص محیط الکترونیک و احکام ویژه حمایت از اسرار تجاری در این محیط توجه نداشته است؛ همچنین رابطه و نسبت این قانون با قانون تجارت الکترونیکی مشخص نشده و معلوم نیست مقررات قانون حمایت از مالکیت صنعتی با احکام قانون تجارت الکترونیکی قابل جمع بوده یا قانون ۱۴۰۳، ناسخ یا مخصص قانون تجارت الکترونیکی است یا خیر به‌ویژه اینکه ماده ۱۵۰ قانون ۱۴۰۳ تنها صحبت از نسخ قانون ثبت اختراعات، طرحهای صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶ کرده و در خصوص سایر قوانین ساکت

۱. *موانع رشد و توسعه تجارت الکترونیک در ایران*، مندرج در سایت <https://vista.ir/m/a/964t2/> تاریخ آخرین

مراجعه به سایت: ۲۰۲۴/۱۱/۱۵ (۱۴۰۳/۸/۲۵)

است باین حال در محتوی شاهد تعارض میان قانون ۱۴۰۳ با قانون تجارت الکترونیک هستیم.

برای رفع این ایراد ممکن است گفته شود که قانون گذار عالماً عامداً به مقوله محیط الکترونیک نپرداخته و وظیفه حمایت از اسرار تجاری در محیط مجازی را به قانون تجارت الکترونیکی محول ساخته تا خود به حمایت از این اسرار در محیط فیزیکی بپردازد همچنان که ماده ۶۴ این قانون، تحصیل غیرقانونی اسرار تجاری در محیط الکترونیک را جرم دانسته، ماده ۶۵، به بیان اوصاف و برخی مصادیق اسرار تجاری الکترونیک پرداخته و ماده ۷۵، ضمانت اجرای کیفری نقض اسرار تجاری در محیط الکترونیک را مقرر داشته است. باین حال این تفسیر، قابل پذیرش به نظر نمی‌رسد چرا که:

اولاً: با توجه به سکوت قانون تجارت الکترونیکی نسبت به ابعاد مهم حمایت از اسرار تجاری در محیط مجازی، انتظار می‌رفت که دست کم در قانون ۱۴۰۳ گامی در جهت تکمیل قانون تجارت الکترونیکی برداشته شود. برای نمونه، قانون تجارت الکترونیکی، کوچکترین حکمی در خصوص تعیین قانون حاکم و دادگاه صالح در حوزه نقض اسرار تجاری در محیط الکترونیک ندارد و استناد به قواعد عام حل تعارض محیط فیزیکی - مقرر در قانون مدنی و قانون آیین دادرسی مدنی - نیز همه جا متناسب با اقتضائات فنی محیط الکترونیک نیست؛

ثانیاً: اگر غرض مقنن آن بوده که احکام اموال فکری در محیط الکترونیک را به قانون تجارت الکترونیک محول کرده و احکام اموال مزبور در محیط فیزیکی را در قانون مالکیت صنعتی بیان کند، پس چرا در تبصره ۲ ماده ۱۳۱ قانون، ارتکاب جرم موضوع بند (۲) یعنی نقض حقوق نام و علامت تجاری در فضای مجازی را علاوه بر مجازات مقرر در این ماده، مستوجب حبس درجه شش دانسته است؟ به عبارت اخری، اگر قانون گذار قصد تفکیک مرز میان قلمرو این قانون با قلمرو قانون تجارت الکترونیکی را داشته، چرا در

تبصره ۲ به طور اختصاصی در خصوص نقش نام و علامت تجاری در محیط مجازی، ضمانت اجرای کیفری پیش‌بینی کرده است؟ و اگر قصد داشته تا به طور ضمنی مقررات قانون تجارت الکترونیکی را نسخ کرده و احکام محیط مجازی را هم در قانون مالکیت صنعتی بگوید، چرا این موضوع را محدود به نام و علامت تجاری کرده و در خصوص سایر مصادیق از جمله نقض اسرار تجاری الکترونیک، حکم خاصی مقرر نداشته است؟

ثالثاً: مشخص نبودن نسبت قانون ۱۴۰۳ با قانون تجارت الکترونیکی ممکن است در عمل، قضات، وکلا و اصحاب دعاوی نقض اسرار تجاری را، دچار سردرگمی و تشتت رویه کند. فرض کنید شکایت کیفری از سوی یک بنگاه صاحب اسرار علیه بنگاه رقیب به اتهام نقض اسرار تجاری در محیط الکترونیک صورت گرفته و یک شعبه از دادگاه کیفری با این استدلال که باید ماده ۷۵ قانون تجارت الکترونیکی - به عنوان مقررده خاص نقض اسرار تجاری در محیط مجازی - اعمال شود، متهم را به حبس شش ماهه و ۵ میلیون تومان جزای نقدی محکوم می‌کند. اما شعبه دیگری از دادگاه کیفری در پرونده مشابه، با این استدلال که بند ۳ ماده ۱۳۱ قانون حمایت از مالکیت صنعتی، اطلاق داشته و ناظر به هر دو محیط فیزیکی و الکترونیک است و این بند، ناسخ ضمنی ماده ۷۵ قانون تجارت الکترونیک است، متهم را به جزای نقدی درجه پنج (۸۰ تا ۱۶۵ میلیون تومان) یا جزای نقدی معادل دو برابر خسارات واردشده، هرکدام که بیشتر باشد محکوم می‌کند و چون حبس در این قانون پیش‌بینی نشده، متهم را تنها به جزای نقدی محکوم می‌نماید.

۴. عدم پیش‌بینی تمامی مصادیق نقض حقوق صاحب اسرار تجاری:

هرچند ماده ۱۲۳ قانون حمایت از مالکیت صنعتی در مقام بیان مصادیق نقض حقوق اسرار تجاری، به دو مصداق مهم یعنی دستیابی غیر مجازی و افشای غیر مجاز تصریح کرده است با این حال یکی دیگر از مصادیق رایج نقض اسرار تجاری یعنی استفاده یا بهره برداری غیر مجاز از اسرار مورد عنایت مقنن نبوده است و از این حیث، قانون ناقص است. ممکن

است گفته شود واژه ی دستیابی در صدر ماده ۱۲۳، بطور ضمنی حاوی استفاده و بهره‌برداری نیز هست زیرا اشخاص ناقض حق به قصد استفاده و بهره‌برداری از اسرار است که بدان دست می‌یابند. با این حال این تفسیر همه جا قابل پذیرش نیست زیرا در برخی فروض، شخصی به صورت غیرمجاز به اسرار تجاری دیگری دست می‌یابد اما چون خود به دلایل اقتصادی یا فنی یا تجربی، امکان استفاده و بهره‌برداری از سر تجاری را ندارد، بهره‌برداری و استفاده از آن را به شخص بعدی واگذار می‌کند (انصاری، پیشین) بنابراین دستیابی غیرمجاز توسط یک شخص لزوماً منتهی به استفاده و بهره‌برداری غیرمجاز توسط همان شخص نمی‌شود.

این نقص قانونی در عمل نیز ایجاد مشکل می‌کند زیرا اگر دستیابی غیرمجاز به اسرار تجاری، توسط شخص الف و استفاده غیرمجاز از اسرار، توسط شخص ب انجام شود و صاحب اسرار بخواهد علیه شخص ب طرح دعوی کند، ممکن است با این ایراد مقام قضایی روبرو شود که قانون‌گذار، صرف استفاده را جزو مصادیق نقض نیاورده و استفاده باید همراه با دستیابی باشد تا نقض حق تلقی شود؛ ضمن اینکه اصل قانونی بودن جرم و مجازات و اصل تفسیر به نفع متهم اقتضا دارد که صرف بهره‌برداری از اسرار تجاری حتی بدون اجازه صاحب حق، وصف مجرمانه ندارد و شکایت کیفری منتهی به قرار منع تعقیب می‌شود. حتی احتمال نتیجه نگرفتن صاحب اسرار تجاری در دعوای حقوقی نیز می‌رود چون ممکن است دادگاه بر این باور باشد که مستند به ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی، عمل زیانبار عامل ورود ضرر، باید بدون مجوز قانونی باشد در حالی که قانون‌گذار، صرف استفاده از اسرار تجاری دیگری را عمل غیرمجاز و نقض حق محسوب نکرده است.

مشکل دیگری که نقص مزبور ایجاد می‌کند آن است که راه را برای فرار از قانون توسط برخی ناقضین حق فراهم می‌سازد. تصور کنید که بنگاه الف یکی از کارکنان بنگاه ب را اجیر می‌کند تا به اسرار تجاری بنگاه ب دسترسی پیدا کند و سپس آن را در اختیار بنگاه

الف قرار دهد تا وی بتواند از آن بهره برداری نماید. در اینجا دستیابی غیرمجاز از سوی کارمند بنگاه ب بوده و استفاده و بهره برداری غیرمجاز از سوی بنگاه الف بوده و بنگاه الف، این نقص قانونی را ابزاری برای فرار از مجازات قانونی قرار داده است.

۵. نارسایی مربوط به بخش استثنائات وارد بر حقوق انحصاری صاحب اسرار تجاری:

در بخش نوآوریهای قانون گفتیم که پیش‌بینی سه استثنای وارد بر حقوق انحصاری صاحب اسرار تجاری در ماده ۱۲۴ و تبصره ماده ۱۲۶ را می‌توان از نقاط قوت قانون برشمرد. باین حال اقدام قانون‌گذار در این بخش کامل نیست و می‌توان برخی ایرادات زیر را بدان وارد ساخت:

نخست اینکه) بند ۲ ماده ۱۲۴، دستیابی به اطلاعات در نتیجه مهندسی معکوس را از شمول نقض حقوق اسرار تجاری خارج ساخته است در حالیکه اطلاق این بند و مجاز دانستن مهندسی معکوس در هر فرض، محل انتقاد به‌نظر می‌رسد. توضیح اینکه گاه شخص به‌نحو مجاز به اطلاعات یا محصول دسترسی پیدا می‌کند اما با انجام مهندسی معکوس بر روی آن اطلاعات یا محصول، به اسرار تجاری یا دانش فنی یا فناوری آن دست پیدا می‌کند و گاه آن شخص، به صورت غیرمجاز به محصول یا اطلاعات دسترسی پیدا کرده و با مهندسی معکوس به جزئیات اسرار پی می‌برد. قطعاً باید میان این دو فرض، قائل به حکم حقوقی متفاوت شد و تنها مهندسی معکوسی را به‌عنوان استثنای مجاز تلقی کرد که اصل تحصیل اولیه محصول، مجاز بوده و سپس مهندسی معکوس صورت گرفته است؛ باین حال اطلاق بند ۲ ماده ۱۲۴ به‌گونه‌ای است که فرقی میان این دو فرض قرار نداده و صرف مهندسی معکوس را برای استناد به استثنا کافی می‌داند صرف‌نظر از مشروع یا نامشروع بودن تحصیل اولیه اطلاعات یا محصول. این نارسایی منتهی به این نتیجه می‌شود که برخی ناقضین حق بعد از دستیابی غیرمجاز به اطلاعات یا محصول بنگاه،

اقدام به مهندسی معکوس کنند تا هم به اسرار جزئی دست یابند و هم مهندسی معکوس را پوششی قانونی برای دستیابی غیرمجاز خود قرار دهند.

برای رفع این نارسایی ممکن است این گونه گفته شود که بند ۲ ماده ۱۲۴ قانون را باید در چارچوب ماده ۱۲۳ تفسیر کرد و قائل به این نظر شد که چون ماده ۱۲۳، هرگونه دستیابی غیرمجاز به اسرار را نقض محسوب کرده است لذا مهندسی معکوس تنها در صورتی استثنای مجاز به شمار می‌آید که دستیابی اولیه، غیرمجاز نبوده باشد. با این حال این تفسیر با ظاهر مواد ۱۲۳ و ۱۲۴ قانون همخوانی ندارد زیرا ماده ۱۲۳ در مقام بیان قاعده کلی، دستیابی غیرمجاز به اسرار تجاری را نقض اعلام کرده و یک ماده بعد در بند ۲ ماده ۱۲۴، دستیابی به اطلاعات در نتیجه مهندسی معکوس را از شمول ماده ۱۲۳ خارج کرده است لذا هرگونه دستیابی به اطلاعات اعم از مجاز و غیرمجاز اگر در نتیجه مهندسی معکوس باشد، طبق اطلاق ماده ۱۲۴، نقض حق محسوب نمی‌شود. طبیعتاً برای اینکه چنین نتیجه نامطلوبی حاصل نشود بهتر بود قانون‌گذار در بند ۲ ماده ۱۲۴، بعد از واژه «دستیابی»، قید مجاز را می‌افزود.

دو ایراد دیگر ماده ۱۲۴ آن است که تمامی مصادیق استثنائات حقوق انحصاری اسرار تجاری را قید نکرده است. برای مثال، مواردی که قانون‌گذار به دلیل حفظ نظم یا امنیت یا بهداشت عمومی، افشای اسرار تجاری را ضروری بداند، از جمله مواردی است که می‌توانست جز موارد استثنا ذکر می‌شد. همچنین در جایی که به دلایلی مانند نقص یا اختلالات فنی اینترنتی، اسرار اشتباهاً برای شخص دیگری فرستاده شود و آن شخص متناسب با شرایط سنی و عقلی و آگاهی به‌نحو متعارف نمی‌توانسته به ارزش یا لزوم محرمانه بودن اطلاعات پی ببرد و اقدام به افشای اسرار کرده است.

۶. احاله نقض حقوق اسرار تجاری توسط مراجع ذیصلاح به قواعد ضمان:

مطابق ماده ۱۲۷ قانون حمایت از مالکیت صنعتی: «مراجع ذیصلاح موظفند از اسرار تجاری که برای انجام اموری مانند آزمایش یا اعطای مجوز از اشخاص یا مؤسسات دریافت می‌کنند محافظت نمایند؛ در غیر این صورت، آن مراجع و عامل افشاء مطابق قواعد ضمان حسب مورد مکلف به جبران خسارت می‌باشند. این حکم، مانع از اجرای مجازات عامل افشاء نمی‌گردد.» با بررسی این ماده در کنار مواد ۱۲۳ تا ۱۲۶ این نتیجه حاصل می‌شود که قانون‌گذار در فرض مشمول قلمرو ماده ۱۲۷ یعنی نقض حقوق صاحب اسرار تجاری توسط مراجع ذیصلاح، قواعد ضمان را جاری دانسته و در سایر فروض یعنی نقض حقوق اسرار تجاری توسط اشخاص یا مراجع غیر ذیصلاح، قواعد خاص رژیم اسرار تجاری را قابل اعمال اعلام کرده است. این رویکرد از این رو قابل نقد است که وقتی نقض حقوق اسرار تجاری عبارت است از دستیابی یا استفاده یا افشای غیرمجاز اسرار تجاری، دیگر نباید تفاوتی بین ناقضین حق وجود داشته باشد چون در هر حال حقوق صاحب اسرار نقض شده و به وی خسارت وارد آمده است. به عبارت دیگر، ذیصلاح بودن مرجع و دسترسی مجاز مرجع به اسرار تجاری، به آنها مجوز افشای غیرمجاز یا عدم محافظت از اسرار نمی‌دهد و تاثیری در حکم حقوقی عملشان ندارد همچنانکه ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، اطبا و داروفروشان و کسانی را که به مناسب شغل یا حرفه خود به اسرار مردم دسترسی مجاز پیدا می‌کنند، از افشای اسرار منع کرده و حتی برای افشاکننده، حبس و جزای نقدی در نظر گرفته است. با این حال، ماده ۱۲۷ قانون حمایت از مالکیت صنعتی، برای مراجع ذیصلاح، قاعده ضمان را جاری دانسته است نه قواعد خاص رژیم اسرار تجاری را.

در خصوص علت این تفکیک ممکن است گفته شود رژیم خاص اسرار تجاری ناظر به فرض دستیابی یا افشا یا استفاده غیرمجاز از اسرار تجاری است در حالی که در فرض ماده ۱۲۷

قانون، مراجع ذی صلاح هیچیک از این سه عمل رخ نداده بلکه مرجع ذی صلاح با کوتاهی در حفاظت از اسرار تجاری صاحب سر، باعث شده تا دیگران به اسرار دسترسی غیرمجاز پیدا کرده و آنها اقدام به افشای غیرمجاز کرده‌اند. بنابراین قانون‌گذار خواسته است برای تقصیر در محافظت از اسرار، رژیم ضمان و برای دستیابی و افشای غیرمجاز، رژیم خاص اسرار تجاری را پیش‌بینی کرده باشد.

با این حال این تفسیر موجه به نظر نمی‌رسد زیرا در ادبیات تخصصی حقوق مالکیت فکری، ما با دو نوع نقض حق روبرو هستیم: نخست (نقض اولیه دوم) نقض ثانویه بدین معنا که دستیابی و افشای غیرمجاز اسرار تجاری گاهی مستقیماً و مباشرتاً توسط ناقض حق انجام می‌شود که مصداق اتلاف اسرار است (نقض اولیه) و گاه ناقض حق خود اقدام به نقض حق نمی‌کند و تنها زمینه و شرایط نقض حق توسط مباشر را به‌نحو غیرمستقیم و با واسطه فراهم می‌سازد که مصداق تسبیب است (نقض ثانویه). در حوزه حقوق مالکیت فکری، هر دو نوع عمل، جزو مصادیق نقض حق محسوب می‌شود و تنها برخی آثار جزئی آن با یکدیگر تفاوت دارد (Bone, 2006 pp, 529-545). وانگهی حتی اگر اقدام مقنن برای تفکیک این دو فرض را بپذیریم، همچنان این نقد بر ماده ۱۲۷ باقی است که مراد از قواعد ضمان چیست چرا در فقه و حقوق موضوعه ایران، قواعد ضمان دارای قلمرو متنوعی نظیر اتلاف و تسبیب و ... است که هر یک دارای مفهوم و آثار حقوقی متفاوتی است مثلاً اگر قواعد ضمان را به معنای اتلاف در نظر بگیریم، صاحب اسرار تجاری در دعوای مطالبه خسارت علیه خواننده دعوی (مرجع ذی صلاحی که در محافظت از اسرار تجاری کوتاهی کرده است)، نیازمند اثبات عنصر تقصیر نیست؛ برعکس اگر قائل به نظام تسبیب شویم، یکی از ارکان لازم برای پیروزی صاحب اسرار در دعوی، اثبات تقصیر خواننده است وگرنه حکم به بی‌حقی خواهان صادر می‌شود.

۷. عدم تعیین تکلیف برخی احکام قراردادهای محرمانگی:

قانون حمایت از مالکیت صنعتی هر چند صراحتاً از قرارداد عدم افشا یا شرط محرمانگی^۱ نام نبرده است با این حال از ماده ۱۲۲ که مقرر می‌دارد «...دارنده قانونی، تدابیر متعارفی را برای حفظ محرمانگی آنها ترتیب داده باشد» و تبصره ماده ۱۲۶ که اشعار می‌دارد «هر شخصی که اسرار تجاری را به هر نحو در اختیار دیگری قرار می‌دهد باید موضوع سرتجاری بودن آن را به طرف مقابل اطلاع دهد...» می‌توان به‌طور ضمنی استنباط کرد که انعقاد قرارداد عدم افشا یا درج شرط محرمانگی در قراردادها، جزو تدابیر متعارف برای حفاظت از اسرار تجاری محسوب می‌شود.

از آنجا که قرارداد و شرط مزبور، ارتباط تنگاتنگی با رژیم حمایتی اسرار تجاری دارند لازم بود قانون‌گذار به برخی احکام و شرایط این قراردادها می‌پرداخت به‌خصوص اینکه تاکنون در قوانین ایران، در خصوص احکام این قرارداد سابقه‌ای دیده نمی‌شود در حالی که در مورد سایر قراردادهای مرتبط با مالکیت فکری، شاهد وضع موادی هستیم مانند قرارداد واگذاری و بهره‌برداری از اختراع که قانون حمایت از مالکیت صنعتی در مبحث پنجم و ذیل مواد مرتبط با اختراع، به برخی احکام و قواعد این دو قرارداد پرداخته است؛ همچنین مواد ۳۱۳ تا ۳۳۱ لایحه قانون تجارت ۱۴۰۳ به تفصیل از قرارداد فرانچایز سخن به میان آورده است.

دلیل دیگر دال بر لزوم تخصیص موادی از قانون حمایت از مالکیت صنعتی این است که در حوزه دعاوی پیرامون قراردادهای عدم افشای اسرار تجاری و شرط محرمانگی، به علت فقدان مقررات خاص، شاهد تشتت آرای قضایی هستیم و قانون مالکیت صنعتی می‌توانست به رفع این تشتت کمک شایانی کند. برای مثال از جمله مباحث حقوقی که به‌شدت شاهد تشتت آرا هستیم و قانون مالکیت صنعتی کمکی به رفع این تشتت نکرده

1. Non- Disclosure Agreement or Confidentiality Clause.

است این است که آیا در صورت سکوت طرفین، شرط محرمانگی مندرج در ضمن قرارداد اصلی، با خاتمه قرارداد اصلی خاتمه می‌یابد یا همانند شرط داوری، به صورت شرط مستقل باقی می‌ماند؟ یا اینکه در صورت توافق طرفین بر ادامه حیات حقوقی قرارداد عدم افشا حتی در صورت خاتمه قرارداد اصلی، آیا لازم است برای ادامه حیات «قرارداد عدم افشا» مدت مشخصی قید شده باشد یا می‌توان آن را به صورت نامحدود باقی گذاشت؟ در ارتباط با دو سوال فوق، به چند نمونه از آرای متشنت قضایی اشاره می‌شود:

نمونه نخست) در دعوی شرکت پ. ن علیه آقای ک. د به خواسته مطالبه خسارات ناشی از نقض شرط محرمانگی مندرج در قرارداد استخدامی خوانده در شرکت خواهان، در دادخواست بدوی، خواهان بیان داشت که در تاریخ ۱۳۹۹/۱/۱۹ اقدام به عقد قرارداد همکاری با خوانده نمود. خوانده به عنوان مهندس ناظر کیفی بر خط تولید شیشه صنعتی استخدام شد و در ماده ۱۳ قرارداد فیما بین، خوانده ملزم به حفظ محرمانگی اسرار تجاری شرکت گردید. سه ماه بعد، طرفین بر خاتمه قرارداد تراضی کرده و اقاله‌ای به تاریخ ۱۳۹۹/۱/۲۱ تنظیم و امضا کردند. متعاقباً شرکت خواهان دریافت که احدی از شرکتهای رقیب او در صنعت شیشه، به برخی اسرار تجاری او دست یافته است و تحقیقات بیشتر خواهان نشان داد که این اطلاعات از طریق خوانده که به استخدام آن شرکت در آمده، منتقل گردیده بود. لذا شرکت خواهان به موجب دادخواست تقدیمی، خواستار مطالبه نقض تعهد محرمانگی گردیده است. وکیل خوانده در مقام دفاع به اقاله نامه مورخ ۱۳۹۹/۱/۲۱ و زوال تعهد محرمانگی استناد جست و اعلام داشت که قرارداد موکلش با شرکت جدید، در تاریخ ۱۳۹۹/۶/۲۵ بوده و در آن زمان، تعهد محرمانگی وجود نداشته که مشارالیه بخواهد آن را نقض کند. شعبه دوم دادگاه عمومی حقوقی میباید به موجب دادنامه مورخ ۱۳۹۹/۱۰/۳۰ شرکت خواهان را محکوم به بی حقی کرد با این استدلال که «از آنجا که اولاً: طبق مدارک مضبوط در پرونده و اذعان متداعیین بر وقوع اقاله قرارداد پایه

و اینکه خواننده در زمان انعقاد قرارداد جدید، تحت قرارداد خواهان نبوده و تعهد محرمانگی در مورد وی صدق پیدا نمی‌کرده است ثانیاً؛ شرط محرمانگی مطابق قواعد عمومی قراردادهای، یک شرط ضمن عقد محسوب شده و با زوال عقد اصلی، شروط ضمن آن نیز به عنوان تعهدات تبعی زائل می‌شوند (اذا زال الاصل زال الفرع)؛ ثالثاً؛ قانون گذار هر جا قصد داشته بر قاعده تبعیت شرط از عقد، استثنا وارد سازد مانند استقلال شرط داوری از قرارداد پایه، بدان تصریح کرده نظیر آنچه در بند ۱ ماده ۱۶ قانون داوری تجاری بین‌المللی دیده می‌شود حال آنکه در خصوص استقلال شرط محرمانگی از قرارداد اصلی چنین استثنایی در قوانین ایران وجود ندارد و باید به قاعده اصلی یعنی تبعیت شرط از عقد پایبند بود، لذا خواسته خواهان را وارد تشخیص نمی‌دهد زیرا اساساً تعهدی بر ذمه خواننده بار نبوده که خواهان از باب نقض آن، مطالبه خسارت کرده است.....». از این رای تجدیدنظرخواهی شد و شعبه دوم دادگاه تجدیدنظر استان تهران با استدلالی متفاوت و البته قابل دفاع، به نتیجه‌ای کاملاً متفاوت با رای بدوی رسید. مطابق بخشی از دادنامه مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۱۱، «... درست است که تعهد محرمانگی مورد ترافع، ظاهراً به صورت شرط ضمن عقد آمده و اصولاً با زوال عقد اصلی شروط ضمن آن نیز خاتمه می‌یابند اما این اصل تا جایی جاری و ساری است که توافق مخالفی نشده باشد. در قضیه مانحن فیه از اراده باطنی متعاقدين می‌توان دریافت که قصد آنان این بوده که اسرار تجاری تا زمانی که افشا نشده‌اند، وصف محرمانگی خود را دارند و تعهد تجدیدنظر خواننده به قوت خود باقی است چرا که این تعهد، مستقل از قرارداد پایه به حیات خود ادامه می‌دهد زیرا طبیعت و نقش شرط محرمانگی این گونه اقتضا می‌کند.....»

نمونه دوم) در دعوی خانم ع. ر. ب علیه شرکت ج. ط به خواسته اعلام بطلان ماده ۲۱ قرارداد عدم افشا، خواهان بیان داشت که: در تاریخ ۱۳/۲/۱۳۸۸، قراردادی با شرکت خواننده فعال در زمینه ارائه خدمات حسابداری منعقد و در کنار قرارداد اصلی، قرارداد عدم

افشا را نیز امضا کرده بود. در ماده ۲۱ قرارداد عدم افشا این شرط آمده بود: «این قرارداد حتی در صورت اقاله یا فسخ یا بطلان یا انفساخ یا خاتمه مدت قرارداد اصلی، پابرجا مانده و تعهدات آن باقی است مگر تازمانی که شرکت به طور کتبی به طرف مقابل، اعلام کند که دیگر نیازی به رعایت تعهد عدم افشا ندارد». قرارداد یکساله در تاریخ ۱۳۸۹/۲/۱۳ خاتمه یافت و طرفین بر تمدید قرارداد توافق نکردند و حال که شش سال از تاریخ انقضای همکاری گذشته است همچنان شرکت خوانده اعلام کتبی نکرده و خواهان نگران است که اگر در شرکت رقیب مشغول شود بعدها متهم به افشای اسرار به رقیب شود. آقای م. ف. به عنوان مدیرعامل و نماینده قانونی شرکت خوانده در جلسه دادگاه حاضر بوده و در مقام دفاع اعلام داشت که چون ماهیت اسرار تجاری منتقل شده به خواهان در طول همکاری یکساله به گونه‌ای است که هنوز ارزش اقتصادی مستقل داشته و برای این شرکت نسبت به رقبا مزیت رقابتی ایجاد می‌کند، لذا به همین دلیل از اعلام کتبی رفع تعهد محرمانگی به خواهان اجتناب کرده است. ضمن اینکه کارشناس رسمی دادگستری می‌تواند صحت ادعای خوانده در خصوص ارزش اقتصادی و رقابتی اطلاعات را تایید کند. شعبه دوم دادگاه عمومی حقوقی شهرستان گرمسار به موجب دادنامه مورخ ۱۳۹۵/۸/۱۰ با وارد ندانستن خواسته خواهان چنین استدلال کرد: «...نظر به اینکه خواهان دلیلی دال بر خارج شدن اطلاعات از محرمانگی ابراز نداشته و جهتی هم بر بی اعتباری شرط محرمانگی مقرر در ماده ۲۱ قرارداد عدم افشا به دادگاه بیان نداشت لذا مستنداً به ماده ۲۲۳ قانون مدنی و اصله الصحه، رای به صحت شرط منعقد و نتیجتاً حکم به بطلان دعوای خواهان صادر می‌شود...» این رای در شعبه سوم دادگاه تجدیدنظر استان تهران به نفع تجدیدنظرخواه نقض شد. به موجب قسمتی از دادنامه مورخ ۱۳۹۶/۱/۲۸: «هرچند طرفین مطابق ماده ۱۰ قانون مدنی مختارند تا در خصوص ادامه حیات حقوقی شرط ضمن قرارداد تراضی کنند به گونه‌ای که با خاتمه قرارداد اصلی، شرط یا شروطی همچنان میان متعاقدين پابرجا و منشا اثر حقوقی باشد، اما این تراضی مطابق شق دوم

ماده ۱۰ قانون مارالذکر تا جایی معتبر است که مخالف صریح قانون نباشد. در حالی که شرط مابه‌النزاع، مخالف قانون آمره است چرا که ماده ۹۵۹ قانون مدنی، اسقاط کلی حق را ممنوع کرده و با عنایت به بند ۳ ماده ۲۳۲ قانون مدنی، شرط قراردادی حاوی اسقاط کلی حق، شرط نامشروع و بی اعتبار است. در پرونده حاضر، درج ماده ۲۱ قرارداد که حاوی ادامه تعهد محرمانگی در خصوص اسرار تجاری موضوع قرارداد فیما بین می‌باشد یک تعهد بدون مدت و نامحدود بوده و یکی از مصادیق اسقاط کلی حق محسوب می‌شود در حالیکه متعاقدین برای جزئی کردن اسقاط حق می‌بایست آن را مقید به مدت مشخص می‌کردند و صرف اینکه موضوع این توافق در خصوص اسرار تجاری مختص بنگاه تجدیدنظر خوانده است، وافی به مقصود برای جزئی تلقی کردن اسقاط حق نیست. بنا علی هذا مستند به ماده ۳۵۸ قانون آیین دادرسی مدنی، اعتراض صورت گرفته را وارد تشخیص داده و ضمن نقض دادنامه بدوی، حکم به بطلان شرط تعهد محرمانگی مندرج در قرارداد عدم افشا به جهت نامشروع بودن شرط و اسقاط کلی حق صادر می‌گردد...»

صرف نظر از اینکه بخواهیم میان آرای بدوی و تجدیدنظر قضاوت کرده و یکی را بر دیگری ترجیح دهیم، وجود این تشتت قضایی در خصوص اسرار تجاری، بر روی کارآمدی قانون حمایت از مالکیت صنعتی در بخش اسرار تاثیر منفی خواهد گذارد زیرا حمایت بایسته از اسرار تجاری اقتضا می‌کند که دو مکانیزم قانونی و قراردادی، همانند دو بال، هم‌زمان برای حفظ اسرار تجاری صاحب سر عمل کنند. اما اگر قانون، اقدام به آسیب شناسی تشتت قضایی نکند و برای حل تشتت موجود در بخش قراردادی مبادرت نرزد و اساساً نسبت به بخش قراردادی بی اعتنا باشد، غرض مقنن در تامین منافع صاحب سر، در بسیاری از موارد عقیم می‌ماند. از این رو شایسته بود که قانون حمایت از مالکیت صنعتی، در کنار طراحی مکانیزم قانونی، نیم‌نگاهی به آسیبهای موجود در مکانیزم قراردادی می‌داشت و می‌کوشید تا با تعیین تکلیف صریح، رویه قضایی و ذینفعان را از سردرگمی خارج می‌ساخت؛ هدفی که محقق نشده است.

نتیجه و پیشنهاد

از آنچه در این مقاله آمد، نتایج زیر حاصل شد:

۱- از مهمترین نوآوریهای قانون حمایت از مالکیت صنعتی، اختصاص موادی مختص قالب اسرار تجاری است که در آن به طور نسبی به تبیین حقوق صاحب حق و روابط حقوقی آن با دیگران پرداخته است. همچنین به رسمیت شناختن حقوق انحصاری برای صاحبان اسرار و متقابلاً شناسایی استثنائات وارد بر حقوق انحصاری و نیز قابل مطالبه دانستن منافع ممکن الحصول اتلاف شده ناشی از نقض حقوق اسرار تجاری را می توان از دیگر نوآوریهای قانون مورد بررسی دانست.

۲- در کنار نوآوریهای قانون نمی توان چشم بر نارساییهای آن بست. بخشی از این نارساییها ناشی از ایرادات وارد بر مواد وضع شده و بخشی ناظر به خلا قانونی نسبت به موضوعات مهم حوزه اسرار تجاری است. در این راستا، نارساییهایی چون قراردادن اسرار تجاری تحت لوای قانون حمایت از مالکیت صنعتی، عدم توجه به اقتضائات اسرار تجاری در محیط مجازی، عدم تعیین نسبت این قانون با قانون تجارت الکترونیکی، قرار دادن دادههای آزمایشی در زمره اسرار تجاری، عدم پیشبینی همه موارد نقض حقوق اسرار تجاری و استثنائات وارد بر حقوق انحصاری صاحب حق، عدم تعیین تکلیف برخی مسائل حقوقی قراردادهای عدم افشا و شرط محرمانگی و احاله برخی فروض نقض اسرار تجاری به قواعد ضمان طرح و دلایل نقد قانون تشریح شد و این دغدغه بیان گردید که نارساییهای موجود قانون فقط از حیث تئوری محل تامل نیست بلکه در عمل، قضات و وکلا و صاحبان اسرار تجاری و طرف دعوای حقوقی یا کیفری را نیز دچار سردرگمی خواهد کرد.

لذا بر اساس نتایج حاصله، پیشنهادهای ذیل جهت اصلاح قانون در بخش اسرار تجاری عرضه می شود:

- ۱- جداسازی مواد مبحث اسرار تجاری از قانون حمایت از مالکیت صنعتی و اختصاص قانون خاص حمایت از اسرار تجاری
- ۲- جداسازی داده‌های آزمایشی از قلمرو اسرار تجاری
- ۳- تسری بند ۲ ماده ۱۳۱ قانون به اسرار تجاری موجود در محیط مجازی
- ۴- افزودن استفاده یا بهره برداری غیرمجاز به مصادیق نقض حقوق اسرار تجاری مندرج در ماده ۱۲۳ قانون
- ۵- افزودن استثنای قانونی ناشی از نظم یا بهداشت یا امنیت عمومی به مصادیق استثنائات وارد بر حقوق اسرار تجاری و نیز افزودن فرض افشای سر توسط شخص ناآگاه به ارزش و محتوای اسرار تجاری که اطلاعات ناخواسته برای وی ارسال شده است
- ۶- اصلاح ماده ۱۲۷ قانون و تسری رژیم خاص اسرار تجاری به جای رژیم قواعد ضمان در خصوص تقصیر مراجع ذی صلاح در محافظت از اسرار تجاری و قرار دادن این تقصیر جزو مصادیق نقض ثانویه حقوق اسرار تجاری
- ۷- وضع چند ماده در خصوص قرارداد عدم افشا و محرمانگی با تصریح به استقلال شرط محرمانگی از قرارداد پایه و لزوم تعیین مدت متعارف برای تعهد محرمانگی که بعد از خاتمه قرارداد اصلی همچنان به قوت خود باقی می‌مانند.

منابع و مآخذ

الف- منابع فارسی

- آزمندیان، محمدصادق، جواهری، حسین، افشار، زهره (۱۴۰۳)، *شرح جامع قانون حمایت از مالکیت صنعتی بر اساس قانون جدید حمایت از مالکیت صنعتی مصوب ۱۴۰۳*، تهران: انتشارات دادبانان دانا،
- اسماعیلی، محسن، تقی زاده، ابراهیم، حیدری منور، حسین (۱۳۹۹)، «تعلق حقوق معنوی (اخلاقی) برای صاحبان اسرار تجاری: نقطه تمایز اسرار تجاری با نظام مالکیت فکری»، *فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی*، دوره ۵۰، شماره ۲، تیر، صص ۱۸۹-۲۰۸.
- انصاری، باقر (۱۴۰۳)، *نقد مواد اسرار تجاری در قانون حمایت از مالکیت صنعتی*، نشست دوروزه نقد و بررسی قانون حمایت از مالکیت صنعتی مصوب ۱۴۰۳، دانشگاه علمی کاربردی کانون وکلای دادگستری مرکز و انجمن علمی حقوق مالکیت فکری ایران و گروه حقوق خانه اندیشمندان علوم انسانی، ۲۲ و ۲۳ مرداد.
- انصاری، باقر، زند، حسین (۱۳۹۵)، «حمایت از داده‌های آزمایشی در نظام مالکیت فکری»، *فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی*، سال پنجم، شماره شانزدهم، پاییز، صص ۱۰۹-۱۳۱.
- بابایی، ایرج، «جایگاه تفکیک اتلاف و تسبیب در حقوق مسئولیت مدنی»، *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، دوره ۱۹، شماره ۷۶ - شماره پیاپی ۷۶، اسفند ۱۳۹۵، صص ۸۳-۱۰۸.
- بخت جو روح الله و کریمی عباس (۱۳۹۸)، «تحولات نوین حمایت از اسرار تجاری در بخشنامه جدید ۲۰۱۶ اتحادیه اروپا با مطالعه تطبیقی در حقوق ایران»، *فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی*، شماره ۹۰، بهار، صص ۱۴۱-۱۶۸.
- جعفری لنگرودی (۱۴۰۳)، محمد جعفر، *ترمینولوژی حقوق*، چاپ سی و هشتم، تهران، انتشارات گنج دانش، .
- خداده، منیژه، الهیان، مجتبی (۱۳۹۶)، «ممکن الحصول و صدق اتلاف»، *فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی*، دوره ۳، شماره ۱، بهار، صص ۱-۹.
- خواجه میرزا، محمود (۱۳۸۴)، *داروشناسی در اندلس، دوره موحدون*، مجله تاریخ و تمدن اسلامی، سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۸۴.
- شیخی، مریم (۱۳۹۴)، *اصول حقوق مالکیت فکری*، تهران: نشر میزان

صادقی، محسن (۱۳۸۹)، «مطالعه تطبیقی تعیین مرجع صالح رسیدگی به دعاوی حقوقی نقض اسرار تجاری در فضای دیجیتالی»، *پژوهشنامه بازرگانی*، سال چهاردهم تابستان شماره ۵۵، صص ۴۷-۷۳

عشقی، سعید، *افزایش سهم بازار و اندازه بازار تجارت الکترونیک در ایران و جهان*، مندرج در سایت <https://ipresta.ir/>، تاریخ آخرین مراجعه به سایت: ۲۰۲۴/۱۱/۱۵ (۱۴۰۳/۸/۲۵) *گزارش سالانه تجارت الکترونیکی ایران*، مندرج در سایت:

<https://www.zoomit.ir/tech-iran/422371-e-commerce-annual-report-1402/>

تاریخ آخرین مراجعه به سایت: ۲۰۲۴/۱۱/۱۵ (۱۴۰۳/۸/۲۵) محمودی، اصغر (۱۳۹۱)، «ماهیت حقوق مالکیت فکری و جایگاه آنها در حقوق اموال»، *فصلنامه دانش حقوق مدنی*، دوره ۱، شماره ۲ - شماره پیاپی ۲، اسفند، صص ۹۴-۱۰۷.

موانع رشد و توسعه تجارت الکترونیک در ایران، مندرج در سایت <https://vista.ir/m/a/964t2/> تاریخ آخرین مراجعه به سایت: ۲۰۲۴/۱۱/۱۵ (۱۴۰۳/۸/۲۵) نوری محمدعلی و نخجوانی رضا، (۱۳۸۲)، *حقوق تجارت الکترونیکی*، تهران: انتشارات

ب- منابع خارجی

Andersen, Birgitte(2003), 'Intellectual Property Right' Or 'Intellectual Monopoly Privilege': Which One Should Patent Analysts Focus On?, *CONFERÊNCIA INTERNACIONAL SOBRE SISTEMAS DE INOVAÇÃO E ESTRATÉGIAS DE DESENVOLVIMENTO PARA O TERCEIRO MILÊNIO* • NOV., pp. 2-33.

Brian ,Angelo Lee, (2011), "Making Sense of "Moral Rights" in Intellectual Property", *Temple Law Review*, vol. 84., , pp. 71-118

Lippoldt, Douglas C. &(2014) Mark F. Schultz, *Uncovering Trade Secrets –An Empirical Assessment of Economic Implications of Protection for Undisclosed Data*, OECD Trade Policy Papers No. 167, , pp. 20 and seq.

Economic Espionage Act of 1996, Available at :

<https://www.congress.gov/104/plaws/publ294/PLAW-104publ294.pdf>

Gautier, Pierre-Yves(1998), *Propriété Littéraire et Artistique*, 2ed, (Paris: P.U.F, 1996), pp. 5 et seq; J.A.L Sterling, *World Copyright Law*, (London: Sweet and Maxwell,), Lilly Icos Ltd v Pfizer Ltd, Available at : <https://vlex.co.uk/vid/lilly-icos-ltd-v-792735601>; last visited: 11/3/2024.

G. Bone, Robert, "Secondary Liability for Trade Secret Misappropriation: A Comment", *Santa Clara High Technology Law Journal*, vol.22, Issue 3, 2006, pp. 529-545.

LaRoque, J. Samuel(2017), "Reverse Engineering and Trade Secrets in the Post-Alice World", *Kansas Law Review*, Vol.66, , pp. 427-457.

Keweenaw Oil Co. v. Bicron Corp. 416 U.S. 470 (1974), Available at :

<https://supreme.justia.com/cases/federal/us/416/470/> last visited: 14/11/2024.

Law No. 9.279 of May 14, 1996 (Law on Industrial Property, as amended up to Law No. 14.200 of September 2, 2021), Brazil, Available at :

<https://www.wipo.int/wipolex/en/legislation/details/21166>

R.Mark , Halligan, (2009) *The Protection of Trade Secrets and the Internet*, in: <http://rmarkhalligan.com>; last visited : 1/11/2024.

R Mark Halligan(2009), "Trade secrets v. patents: the new calculus", *Journal of Landslide*, vol. 2, , p. 10.